

Economic Strategies of Nabawi Government in Medina

Sajad Dadfar *

Rohollah Bahrami **

Abstract

Following the migration of the prophet Mohammad to Medina, establishing the new political structure and increasing the number of Muslims, the newly established government faced new challenges and realities. One of these realities and challenges was the economic life of Medina society and the need for its organization. Accordingly, the present study based on a descriptive and explanatory method, try to answer the question of how economic strategies of Nabawi Government could transcend the traditional economy to Islamic one and what strategies were employed in that time. In fact, the aim of this study is to investigate the policies, strategies and approaches of the holy Prophet management in the economic arena and introducing it as an example for real Islamic economy. The results indicated that the Prophet Mohammad tried to illuminate the basic strategies and future of Islamic government in the economic arena based on the tangible necessities and realities. These strategies originated both from revelational and nabawi teachings and based on realities and necessities of establishing Islamic government, recognizing the elements and capacities of Mohajirin and Ansar as well as circumstances of new environment and context. Trying to eliminate traditional treats, illuminating new concepts and elements of Islamic economy, endorsing economical basis of Muslims and cutting their dependence to Mosharkin and Ahlol-Ketab were some of the new strategies of Nabawi government. Therefore, the Prophet Mohammad sought to present and put new thinking and strategies in the new economy so as to organize new kind of economy in Medina which is called Islamic economy.

Keywords: Islam, Prophet Mohammad, Islamic Economy, Medina.

Article Type: Research Article.

Citation: Dadfar, Sajad & Bahrami, Rohollah (2021). Economic Strategies of Nabawi Government in Medina, 4(1), 265-305.

* Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

(Corresponding Author), sdadfar@razi.ac.ir

** Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.





راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی

سجاد دادفر*

روح‌اله بهرامی**

چکیده

با مهاجرت پیامبر (ص) به یثرب، تأسیس ساختار نوین سیاسی و افزایش تعداد مسلمانان، حکومت نوین مدینه با واقعیت‌ها و چالش‌های جدیدی مواجه گردید. یکی از این واقعیت‌ها حیات اقتصادی جامعه یثرب و لزوم ساماندهی آن بود. بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تبیینی در پی پاسخ به این پرسش است که راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی در مدینه‌النبی برای گذار از اقتصاد جاهلی به اقتصاد اسلامی چگونه و مبتنی بر انجام چه اقداماتی بوده است؟ در واقع هدف این پژوهش، تأمل در سیاست‌ها، رویکردها و راهبردهای مدیریتی پیامبر (ص) در عرصه اقتصاد و معرفی آن به‌منابه الگوی واقعی اقتصاد اسلامی است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که پیامبر (ص) پس از استقرار در مدینه و مواجهه با واقعیت‌ها و مسائل اقتصادی جامعه اسلامی، تلاش کرد تا راهبردهای اساسی و آینده دولت اسلامی مدینه را در حوزه مناسبات اقتصادی براساس ضرورت‌ها و واقعیت‌های ملموس ترسیم کند. این راهبرد از یک‌سو نشأت گرفته از آموزه‌های وحیانی و سیره نبوی و از سوی دیگر مبتنی بر ضرورت‌ها و واقعیت‌های ناشی از تشکیل حکومت اسلامی، شناخت مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های مهاجران و انصار و شرایط محیط جدید بود. تلاش در جهت حذف معاملات جاهلی، تعریف و تبیین مفاهیم و مؤلفه‌های نوین اقتصاد اسلامی، تقویت بنیه اقتصادی مسلمانان و قطع وابستگی آنان به مشرکان و اهل کتاب بخشی از اقدامات حکومت نبوی در این زمینه بود. بر این اساس پیامبر (ص) در تلاش بود تا با ارائه راهکارها و اندیشه‌های جدید در ساخت اقتصادی به‌تدریج اقتصادی متمایز از آنچه در شبه جزیره بود، سامان دهد که از آن با عنوان اقتصاد اسلامی می‌توان یاد کرد.

کلید واژه‌ها: اسلام، پیامبر (ص)، اقتصاد اسلامی، مدینه‌النبی

نوع مقاله: پژوهشی.

* استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)
sdadfar@razi.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.



مقدمه

مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که دوران سیزده‌ساله دعوت مکی را می‌توان دوران مبارزات فکری و فرهنگی پیامبر (ص) با جامعه جاهلی دانست. در این دوران اقدامات پیامبر (ص) عمدتاً در راستای تبیین اصول اساسی دین اسلام و افشای ماهیت شرک متمرکز بود؛ از این رو آیات نازل‌شده در این دوران نیز در همین راستا بوده و کمتر سخن از حوزه‌های عمل دولت نظیر سیاست یا اقتصاد به میان آمده است؛ اما به دنبال مهاجرت پیامبر (ص) به مدینه و تشکیل نخستین دولت اسلامی، الزامات دیگری نظیر تدوین سیاست‌های جدید مالی و از میان برداشتن تنگناها و معضلات اقتصادی مطرح گردید؛ چرا که سامان دادن به مناسبات اقتصادی، تدارک منابع درآمد برای سیاست‌های دولت مدینه و به‌سازی حیات اقتصادی جامعه از ضرورت‌های تحقق نظام اسلامی بود.

حکومت مدینه نمی‌توانست بدون سیاست‌گذاری‌های روشن اقتصادی به‌سوی هدف‌های عمومی خود حرکت کند، به‌ویژه از آن‌روی که پیامبر (ص) میان اقتصاد، فرهنگ و سیاست در قالب یک نظام و هدف‌های بعثت، پیوندی ناگسستنی می‌یافت. برای تحقق هدف‌های سیاسی و اداره جامعه، از زاویه واقعیات جاری در میان اعضای جامعه مدینه گذشته از ضرورت‌های برنامه‌ریزی اقتصادی و وضع مالیات، اتخاذ سیاست‌های ویژه مالیاتی و تنظیم مناسبات مالی و پایه‌ریزی نظام اقتصادی ضرورت داشت. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۳۵۸) به‌همین دلیل پیامبر پیامبر (ص) می‌کوشید تا با بهبود وضعیت اقتصادی جامعه نوپای اسلامی، ضمن صیانت از مسلمانان مستمند در برابر اهل کتاب، زمینه‌های همگرایی مسلمانان با آنان و در نتیجه نفوذ کفار بر اندیشه‌های مسلمانان را از بین ببرد.

اما پرسش اساسی این پژوهش این است که راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در راستای تحقق این اهداف مبتنی بر چه اصول و روش‌هایی بوده است؟ مدعای پژوهش را هم می‌توان چنین طرح کرد که پیامبر (ص) برای حل مشکلات اقتصادی جامعه نوپای اسلامی در مدینه، راهبردهایی براساس آموزه‌های نوین وحیانی و ضرورت‌های تشکیل حکومت اسلامی متناسب با شرایط محیط و ظرفیت‌های مردم مهاجر و انصار اتخاذ کرد. با

توجه به اینکه در بین تحقیقات صورت گرفته در مورد زندگی و سیره پیامبر (ص) کمتر به مسائل مالی و سیره اقتصادی ایشان پرداخته شده است، هدف این پژوهش آن است تا براساس منابع تاریخی ضمن بررسی راهبردهای اقتصادی پیامبر (ص) در مدینه‌النبی، به تشریح روند سیاست‌گذاری‌های مالی حکومت نبوی و در نهایت تبیین مراحل گذار از اقتصاد جاهلی به اقتصاد اسلامی پرداخته شود. موضوعی که می‌تواند ضمن کمک به علاقه‌مندان مطالعات اقتصاد اسلامی، بسترهای جدیدی را در این حوزه برای تحقیق و پژوهش خلق کند.

پیشینه تحقیق

مطالعه منابع اولیه و تحقیقات متأخر نشان می‌دهد که سیاست‌ها، رویکردها و راهبردهای مدیریتی پیامبر (ص) در عرصه اقتصادی کمتر مورد توجه واقع شده‌اند. آنچه در منابع نخست در این باب دیده می‌شود عمدتاً به شکل پراکنده و در لابه‌لای کتب حدیث و در ذیل باب‌هایی مانند مکاسب، زکات، خمس، دیات و برحسب موضوع و محتوای احادیث به مسائل اقتصادی عصر نبوی توجه شده است، ضمن آنکه در کتب تفسیر، سیره، مغازی، خراج و برخی منابع جغرافیایی نیز در این زمینه مطالبی را بیان کرده‌اند.

در تحقیقات متأخر نیز توجه به سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های اقتصادی پیامبر (ص) کمتر مورد توجه قرار گرفته و عمدتاً به بررسی شرایط اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام پرداخته شده است. از جمله این تحقیقات می‌توان به مقاله «وضع اقتصادی مدینه در عهد نبوی» اشاره کرد. این مقاله که ترجمه بخشی از کتاب «المجتمع المدني فی عهد الرسول» تألیف عبدالله عبدالعزیز بن ادریس است و شهلا بختیاری آن را ترجمه کرده است، وضعیت اقتصادی مدینه قبل و بعد از اسلام را از نظر زراعی، صنایع و حرفه، سکه‌ها و اوزان و اکیال رایج مورد بحث قرار داده است.

«نگاهی به سیره اقتصادی پیامبر خدا» مقاله دیگری است که عبدالحسین برهانیان آن را تدوین کرده است. مقاله مذکور نیز عمدتاً متمرکز بر سیره شخصی پیامبر (ص) و برخی از توصیه‌های اخلاقی ایشان در مباحث اقتصادی است و کمتر در مورد راهبرد اقتصادی پیامبر

(ص) سخن گفته است. اهمیت کار و تلاش، تدبیر و میانه‌روی، وفای به عهد، فرض الحسنه، انفاق و وقف در سیره پیامبر (ص) بخشی از محتوای مقاله مذکور را تشکیل می‌دهد. غلامحسین محرمی در مقاله «موقعیت اقتصادی مدینه در دوران جاهلیت» کوشیده است تا اوضاع اقتصادی مدینه قبل از اسلام را از منظر زراعی، تجاری، صنایع و دامداری به صورت مختصر و اکاوی کند.

«بین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم (ص)» نوشته صدیقه شریفی و دیگران از جمله مقالاتی است که تلاش کرده تا با بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری، به ارائه الگویی از سیره پیامبر اکرم (ص) در هر یک از ابعاد آن بپردازد.

«بررسی تحلیلی سیاست اقتصادی پیامبر (ص) در تخصیص منابع» از محسن مرسل‌پور، «سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر (ص)» از محمدرضا جباری و «سیره پیامبر اکرم در مقابله با تهدیدهای اقتصادی» از سعید سیدحسین‌زاده یزدی از جمله مقالات دیگری هستند که هر کدام سعی کرده‌اند تا در زمینه‌های تبیین تخصیص منابع بر پایه سیاست اقتصادی پیامبر (ص)، تشریح اخلاق اقتصادی پیامبر (ص) و احصای تهدیدات اقتصادی عصر نبوی و استخراج سیره ایشان در مقابله با این تهدیدها را به بحث و بررسی بگذارند.

جدای از این مقالات، کتب «تاریخ صدر اسلام» از غلامحسین زرگری‌نژاد، «سیر تمدن اسلامی» از شکرالله خاکرند، «تاریخ مفصل عرب پیش از اسلام» از جواد علی، «آئینه اسلام» از طه حسین و «جامعه عصر مدنی» از عبدالله عبدالعزیزین ادریس از نمونه آثار جدیدی هستند که در خلال مباحث مربوط به تاریخ صدر اسلام اشاراتی به مباحث اقتصاد عصر نبوت کرده‌اند؛ بنابراین براساس پیشینه پژوهش می‌توان گفت وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین در استفاده گسترده از منابع اولیه و تحقیقات جدید، تبیین وضعیت اقتصادی مدینه‌النبی در عصر رسالت، توجه به سیاست‌های عملی پیامبر (ص) در حوزه اقتصاد و در نهایت تشریح راهبردها و راهکارهای آن حضرت در این حوزه دانست. این درحالی است که در تحقیقات پیشین، استفاده از منابع اولیه به این وسعت دیده نمی‌شود و در برخی از پژوهش‌ها نیز بیشتر به توصیه‌های اخلاقی در این زمینه بسنده شده است؛ از این رو در این

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۶۹

پژوهش تلاش گردیده تا به شکلی منسجم و هدفمند روند تصمیم‌سازی و رویکردهای دولت نبوی برای گذر از جامعه جاهلی و حل مسائل و مشکلات مالی و معیشتی در مناسبات اقتصادی مدینه‌النبی مورد مذاقه و پژوهش قرار گیرد.

بدون تردید تبیین این روند و تشریح این رویکردها نه تنها می‌تواند تصمیم‌سازان امروز حوزه اقتصاد را در شناخت بستر تاریخی مناسبات اقتصادی حکومت نبوی (ص) یاری رساند، بلکه درعین حال می‌تواند به آنان در روند تصمیم‌سازی متناسب با این حوزه کمک کند.

تأسیس مدینه‌النبی و ضرورت‌های معیشتی و اقتصادی

گرایش مردم یثرب به اسلام هرچند مأمنی مناسب برای گسترش اسلام و پناهگاه مسلمانان مهاجر پدید آورد؛ لیکن هجرت مسلمانان از مکه به مدینه، فشارهای اقتصادی بر مردم این شهر را افزایش داد. بازتاب این موضوع را می‌توان در منابع تاریخی به‌خوبی مشاهده کرد. ابن هشام تعداد مهاجران از مکه به مدینه را جدای از کودکان نزدیک به پنجاه نفر ذکر کرده است. این درحالی است که بیشتر این افراد مجرد بوده و از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نبوده‌اند (ابن‌هشام، ۱۹۷۱: ۱۱۵/۲-۱۴۴-۳۴۲-۳۴۶).

منابع اولیه تعداد مهاجران حاضر در غزوه بدر را ۸۳ نفر بیان کرده‌اند. اگر تعداد فرزندان آنان را به این تعداد اضافه کنیم، متوجه فشار اقتصادی وارد بر مدینه خواهیم شد. از لابه‌لای اخبار پراکنده در متون روایی و منابع تاریخی می‌توان به نابرابری‌های مالی چشمگیر حاکم بر مدینه در سال اول هجرت پی‌برد. با عنایت به آنکه بیشتر مهاجران اموال و دارایی‌های خود را در مکه وانهاده بودند، حتی اگر تهیدستان انصار را نادیده بگیریم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که جامعه مسلمانان مدینه، عمدتاً در سال‌های نخست، تفاوت اساسی با واقعیت نابرابری مالی در جامعه عرب نداشته است. چنین نابرابری مالی و اقتصادی می‌توانست حتی به ایمان و سلامت پیوندهای عقیدتی و سیاسی سخت آسیب وارد کند؛ بنابراین پیامبر (ص) برای حل مشکلات بایستی با توجه به آموزه‌های نوین وحیانی و ضرورت‌های تشکیل

حکومت اسلامی و شناخت مؤلفه‌ها و ظرفیت‌های مردم مهاجر و انصار و شرایط محیط جدید، راهبردهایی را برای برون‌رفت از معضلات اقتصادی مسلمان در مدینه اتخاذ می‌کرد.

شناخت ظرفیت‌ها و منابع در آمد حکومت اسلامی

تأسیس جامعه جدید و اعتماد مردم مدینه به رهبری پیامبر اسلام و نگارش منشور سیاسی و اجتماعی مدینه، مسئولیت بزرگی بر دوش پیامبر اسلام نهاد تا او علاوه بر دغدغه‌های پیامبرانه و الهی در جایگاه یک رهبر سیاسی و اجتماعی در سامان دادن به مدیریت جامعه، نگران وضعیت و اوضاع اقتصادی و معیشتی و تأمین ثبات جامعه نویند خویش باشد.

تأسیس جامعه جدید مدینه با ترکیب اجتماعی مهاجر و انصار و قبایل یهود در سایه تهدیدات قریش و کارشکنی‌های یهودیان و جمعیتی از منافقان به تدابیر خاصی نیاز داشت. این تدابیر به‌ویژه در حوزه اقتصادی که با زندگی و دغدغه‌های معیشتی و زیستی مسلمانان در مدینه ارتباط داشت، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای پیامبر اسلام برخوردار بود. رهایی از اقتصاد جاهلی مبتنی بر غارت، زورگویی، ربا و عصبیت‌های خویشاوندی و تأسیس یک اقتصاد جدید مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و اخلاقی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و حیاتی برای جامعه اسلامی به‌شمار می‌رفت. در راستای تحقق این امر، آموزه‌های راهبردی اسلام، اندیشه و تدبیر شخص پیامبر (ص)، شرایط و اقتضات محیطی و همچنین نیروی انسانی مسلمانان مهاجر و انصار در مدینه از توانش‌ها و ظرفیت‌هایی بودند که پیامبر (ص) می‌بایست براساس آن‌ها به سامان دادن مناسبات اقتصادی و معیشتی جامعه اسلامی پردازد.

پیامبر (ص) در عرصه اقتصادی و معیشتی رویکردها و راهبردهایی را در پیش گرفت تا به اوضاع اقتصادی و معیشتی جامعه مدینه سر و سامان دهد. از سویی تدابیر پیامبر (ص) برای تعریف رفتارهای اصولی در ساخت اقتصادی جامعه، الگوی مناسبی از رفتار و شیوه مدیریت اقتصادی پیامبر را به نمایش می‌گذاشت که سرشار از پیام عملی و حجت برای مسلمانان در ساماندهی به مسائل اقتصادی بود؛ امری که برای ترسیم مسیر رفتار اقتصادی جامعه اسلامی ضروری می‌نمود. در اینجا این راهبردها را در روند تحولات جامعه اسلامی

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۷۱

در مدینه با عناوین غزوات و غنیمت، اهل کتاب، مسئله جزیه و تشکیل بیت‌المال، ساماندهی اقتصاد زراعی و تشویق به کار و زراعت، تثبیت مالکیت فردی، اصلاح رویکرد تجاری، تأسیس بازار اسلامی، ساماندهی و اصلاح مناسبات مالی و اقتصاد خانواده، ترغیب پیشه‌وری و صنعتگری به‌عنوان راهبردهای اساسی پیامبر (ص) در مدینه‌النبی مورد کاوش قرار گرفته است.

غزوات و اصلاح مسئله غنیمت

اهمیت و لزوم گسترش اسلام از یک‌طرف و ماهیت روابط بین مسلمانان و قریش و یهودیان از سوی دیگر، ورود پیامبر (ص) و جامعه نوپای اسلامی را به سلسله‌ای از جنگ‌ها اجتناب ناپذیر می‌کرد. این جنگ‌ها که در منابع نخستین از آنان با عنوان غزوه و سریه یاد می‌شود^۱، علاوه بر تأثیری که در مقابله با سیاست‌های تهاجمی مشرکان، گسترش اسلام و اثبات اقتدار دولت نوپای مدینه داشت، موجب دستیابی مسلمانان به برخی منابع مالی نیز گردید. براساس گزارش منابع، اولین غنیمت جنگی در جریان سریه عبدالله بن جحش در سال دوم هجرت حاصل گردید (ابن هشام، ۱۳۷۷: ۵۳۵، ابن اثیر، ۱۹۶۷: ۲ / ۷۹).

ابن هشام پس از بیان علت وقوع این سریه و نحوه مواجهه و پیروزی مسلمانان بر کاروان تجاری قریش می‌نویسد: «عبدالله بن جحش اصحاب را گفت که از این غنیمت که ما یافتیم خمسی از آن رسول است و باقی ما قسمت کنیم و این پیش از آن بود که حق تعالی قسمت غنایم به نص قرآن بیان کرده باشد و خمس پیامبر (ص) از آن میان پیدا کرده بود. پس ایشان از آن غنیمت خمسی خاص پیامبر (ص) را جدا باز کردند و باقی یکدیگر را قسمت کردند.» (ابن هشام، ۱۳۷۷: ۵۳۱) نکته درخور توجه آنکه در جامعه جاهلی پیش از اسلام، اقتصاد

^۱ در مورد تعداد غزوات و سرایا و همچنین ترتیب آن‌ها از نظر تاریخ وقوع و انجام آن، بین مورخان اختلاف نظر وجود دارد. در برخی منابع از ۲۷ غزوه که فرماندهی مستقیم آن‌ها برعهده پیامبر بوده نام برده شده که ایشان در نه جنگ شخصاً در مبارزه هم حضور داشته و برخی منابع هم از ۴۷ سریه که فرماندهی آن‌ها برعهده یکی از صحابه نامی پیامبر بوده، نام برده شده است (واقفی، ۱۳۶۹: ۵).

دارای مفهومی به‌غایت بدوی بوده و به لحاظ اجتماعی در بستر قبیله جاری بود. (ابن‌خلدون، ۱۳۴۵: ۳۱۱) به‌همین دلیل سنت اعراب در تقسیم غنایم، پیش از ظهور اسلام بدان گونه بود که یک چهارم آن به رئیس قبیله تعلق گرفته و مابقی آن بین جنگجویان تقسیم می‌شد (ابوعلی قالی، ۲۰۰۱: ۲ / ۱۴-۱۴۳).

اما به نظر می‌رسد پیشنهاد عبدالله بن جحش در اختصاص خمس غنایم به پیامبر (ص) را باید با تردید نگریست؛ زیرا این روایت را می‌توان در زمره اخباری دانست که در تلاشند تا منبع صدور برخی از احکام الهی را به تصمیمات برخی از صحابه ارتباط دهند. ضمن آنکه با توجه به این موضوع که منشأ این روایت در برخی منابع، اعقاب عبدالله بن جحش ذکر شده‌اند (طبری، ۱۳۷۵: ۳ / ۹۳۹). از تفاخرات قومی در نزد اعراب در این خصوص نباید غافل شد. تنها بعد از غزوه بدر و در زمان نزاع مسلمانان در مورد کیفیت تقسیم غنایم بود که آیات مربوط به خمس بر پیامبر (ص) نازل گردید (واقعی، ۱۳۶۹: ۷۳). فشارهای مالی روزافزون و آزاردهنده بر مسلمانان از یک طرف و طبیعت طماع و فزون‌طلب بشری از سوی دیگر که هنوز با برخی از خصلت‌های جاهلی همراهی می‌شد، باعث گردیده بود تا حتی برخی از صحابه پیامبر (ص) نیز در سال‌های نخستین دعوت مدنی و در حوزه مسائل مالی دارای برخی گرایش‌های فزون‌خواهانه و رفاه‌طلبانه باشند؛ از همین رو بعد از پایان غزوه بدر که با پیروزی مسلمانان به پایان رسید، گروهی از مسلمانان در ارتباط با نحوه تقسیم غنایم و سهم هریک از آنان به گفت‌وگو و حتی مشاجره پرداختند (پیشین: ۹۷). به‌گونه‌ای که برخی از آنان حتی عدالت پیامبر (ص) را زیر سؤال برده و ایشان را در مورد قتیفه‌ای مورد سوءظن قرار دادند (پیشین: ۷۶).

همان‌گونه که بیان شد مطابق ارزش‌های مقبول و فرهنگ نظامی آن روزگار، غنیمت و ثروت‌های ناشی از جنگ، سراسر به جنگجویان تعلق داشت آن هم جنگجویانی که وارد آوردگاه شده و به نبرد برخاسته بودند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۳۹۰). این در حالی بود که در باور پیامبر (ص) غنیمت ابزاری بود که می‌توانست در جهت ایجاد تعادل اجتماعی و از میان

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۷۳

برداشتن تفاوت‌های مالی مورد استفاده قرار گیرد. پس تمام افراد جامعه در ثروت‌های به- دست‌آمده که حاصل کنش جمعی بود، سهم بودند؛ بر این اساس و به تصریح بیشتر مورخان، سیره‌نویسان و مفسران، غنایم جنگ بدر به تساوی در میان آنان تقسیم شد. نگاهی به سیره پیامبر (ص) در ارتباط با نحوه توزیع غنایم به‌خوبی نشانگر اهداف ایشان در ساماندهی وضعیت اقتصادی جامعه نوپای اسلامی است. نکته مهم آن است که نزول آیات مربوط به پرداخت زکات در سال دوم هجرت به نوعی رویکرد عدالت‌گرایانه سیاست‌های اقتصادی دولت مدینه را مشخص می‌کند.

به نظر می‌رسد قانون زکات نخستین گام در راه زدودن این نابرابری بود. شیخ طوسی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که دستور پرداخت زکات در شرایطی نازل شد که مسلمانان توانمندی مالی نداشتند و هیچ مالی برای تأمین معیشت نیازمندان جز زکات فطره مقرر نشده بود (پیشین: ۳۵۹). مضمون آیات مربوط به پرداخت زکات مبین آن است که غایت تکاپوی برنامه‌ریزی در نظام اقتصادی اسلامی باید محو محرومیت‌ها و تحقق داد و مساوات باشد؛ از این‌رو در پایان غزوه بنی‌نضیر، پیامبر (ص) غنایم به‌دست‌آمده را میان مهاجران و چند نفر از انصار که از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نبودند تقسیم کرد. این امر هرچند با اعتراض برخی از انصار مواجه شد؛ اما با سخنان پیامبر (ص) در مورد تنگدستی مهاجران و لزوم رفع گرفتاری‌های مالی آنان، انصار نه تنها با تقسیم اموال بنی‌نضیر در میان مهاجران موافقت کردند، بلکه حاضر شدند همچنان میزبان آنان در منازل خود باشند.

بررسی شیوه تقسیم غنایم غزوه بنی‌قریظه، بیانگر وجود «اصل تقسیم غنایم براساس نیازهای اقتصادی جامعه اسلامی» است؛ از این‌رو پس از پیروزی مسلمانان بر یهودیان بنی‌نضیر که بدون جنگ انجام یافت، برخلاف شیوه رسول اکرم (ص) - که غنایم را یکسان میان مسلمانان تقسیم می‌کرد - این‌بار غنایم تنها میان مهاجران و چند تن از انصار قسمت شد (واقدی، بی‌تا: ۳۷) که این موضوع بیانگر نیازهای فراوان اقتصادی مهاجران بود که در پی هجرت، اموال و کاشانه خود را از دست داده و بیشترشان با انصار در یک خانه زندگی می‌کردند و پیامبر (ص) نیز برای برپایی عدالت اقتصادی و از میان برداشتن فاصله‌های مالی

میان انصار و مهاجران به چنین کاری دست زد. وضعیت نامناسب اقتصادی مهاجران در این زمان را از محتوای برخی از گزارش‌های تاریخی به‌خوبی می‌توان دریافت (ابن هشام، ۱۳۷۷: ۷۷۷؛ ابن بکار، ۱۴۱۶: ۴۶۸-۴۶۹، ۴۷۷-۴۷۸). این امر می‌توانست با توجه به ترکیب نامتجانس جمعیت مدینه مورد سوءاستفاده یهود یا منافقان قرار گیرد؛ لذا حل این معضلات اقتصادی برای حکومت مدینه و پیامبر (ص) مهم بوده است (حسینان مقدم، ۱۳۸۸: ۸۷-۹۱). براساس سوره «انفال» غنایم جنگی از مصادیق انفال و از ثروت‌های عمومی است. این اموال باید در اختیار حکومت اسلامی قرار گیرد تا عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه آن در میان مسلمانان امکان‌پذیر شود؛ به‌همین دلیل پیامبر (ص) پس از هر جنگ، غنایم را در جایی گرد می‌آورد (واقدی، بی تا: ۲۹۵) و مأمورانی برای شمارش و پخش آن تعیین و استفاده‌کنندگان از آن را مشخص می‌کرد. موضوعی که بعدها زمینه تشکیل بیت‌المال را فراهم کرد (پیشین: ۲۶۴). سیاست استفاده از غنایم در بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان در جریان جنگ‌های بعدی نیز ادامه یافت. تقسیم غنایم غزوات بنی قریظه، بنی المصطلق، خیبر و حنین باعث گردید تا زندگی آن دسته از مسلمانانی که در تنگناهای مالی قرار داشتند تا حدی بهبود یابد؛ اگرچه هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب و رفع فاصله‌های مالی در مدینه مسیر زیادی باید طی می‌شد.

اهل کتاب، مسئله جزیه و تشکیل بیت‌المال

گسترش اسلام و نشر آن در طی سال‌های نخست دعوت اسلامی باعث گردید تا به تدریج علاوه بر غنایم، شیوه دیگری در کسب منابع اقتصادی مطرح گردد. در این روش که آن را «جزیه» نامیده‌اند، اهل کتاب در قبال پرداخت مبالغ مشخصی به دولت اسلامی علاوه بر برخورداری از آزادی اعتقادی، امنیت جانی و مالی خود را نیز تأمین می‌کردند. برخی از مورخان مسلمان، تاریخ پیدایش جزیه را به سال هشتم هجرت و به نامه پیامبر (ص) به منذر بن ساوی، حاکم بحرین نسبت داده‌اند (ابن عقبه، ۱۴۲۴: ۳۶۵-۳۶۶؛ نویری، ۱۹۷۰: ۱۶۶/۱۸؛ قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۷۸).

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۷۵

اما آنچه مورخان بر آن اتفاق نظر دارند صلح اهل «تیماء» با پیامبر (ص) در غزوه «وادی القری» در قبال پرداخت جزیه است (مسعودی، ۱۹۸۱: ۲۴۱؛ ابن‌هشام، ۱۹۷۱: ۳/۳۳۵). بلاذری در این باره می‌نویسد: «گویند که چون اهل تیماء از کار رسول‌الله در مقهور ساختن مردم وادی القری آگاه شدند، با وی به شرط جزیه مصالحه کرده در بلاد خود ماندند و اراضی خویش را حفظ کردند» (بلاذری، ۱۳۶۷: ۵۱). در ادامه غزوات پیامبر (ص) و بعد از فتح مکه که به تسلیم شدن قریش منجر گردید، پیامبر (ص) در سال نهم هجرت در راستای مقابله با تعرضات مرزی امپراطوری روم و درعین‌حال جبران شکست مسلمانان در سریه «موتة»، به سمت «تبوک» در سرحدات شمالی شبه‌جزیره عربستان حرکت کرد. در این غزوه که در سال نهم هجرت اتفاق افتاد، اگرچه جنگی رخ نداد؛ اما رسول خدا ده روز در آنجا اقامت کرد و اهالی ایله، اذرح، مقنا و جرباء با پیامبر (ص) در قبال پرداخت جزیه صلح کردند (ابن‌هشام، ۱۳۷۷: ۲/۹۷۴).

در روایت تاریخی دیگری به صلح اهل تیماء با پیامبر (ص) به شرط پرداخت سالیانه یک دینار در قبال هر فرد بالغ، پذیرایی از مسلمانانی که از آنجا می‌گذرند و در مقابل حمایت دولت اسلامی مدینه از آنان اشاره شده است (بلاذری، ۱۳۶۷: ۸۹). در این سال آیات مربوط به اخذ جزیه از اهل کتاب نازل شد. قدرت‌نمایی مسلمانان در جنگ تبوک، ارسال نامه‌های پیامبر (ص) به قبایل متعدد در سراسر شبه‌جزیره و از همه مهم‌تر تسلیم قریش باعث گردید تا اعراب راه عناد و مقاومت در برابر اسلام را وانهادند و به تدریج قدم در راه اطاعت و تسلیم گذارند (ابن‌هشام، ۱۳۷۷: ۲/۱۰۱۰). از این رو بعد از پایان غزوه تبوک و بازگشت پیامبر (ص) نمایندگان متعددی از قبایل شبه‌جزیره وارد مدینه شده و با قبول اسلام یا پرداخت جزیه در برابر دولت نبوی، راه سازش را در پیش گرفتند.

نمایندگان مردم «نجران» از جمله مهم‌ترین هیأت‌هایی بودند که پس از ورود به مدینه و ملاقات با پیامبر (ص) با پذیرش پرداخت جزیه صلح کردند. پرداخت دو هزار حله در سال

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (توبه/ ۲۹).

یا معادل آن نظیر اسب، شتر، اسلحه یا هر متاعی به همان قیمت، میزبانی از فرستادگان پیامبر (ص) تا یک ماه و پرهیز از هرگونه ربا و معامله ربوی از مفاد این صلح‌نامه بود. (واقدی، ۱۳۶۹: ۹۵-۹۴) یکی دیگر از مناطقی که با پرداخت جزیه حاضر به اطاعت از پیامبر (ص) گردید، بحرین بود. بلاذری ضمن تأکید بر این نکته که بحرین جزء مملکت ایران بود، می‌نویسد که پیامبر (ص) در سال هشتم هجرت علاء بن عبدالله حضرمی را برای دعوت مردم بحرین به اسلام یا پرداخت جزیه روانه این سرزمین کرد و به دست ایشان نامه‌ای برای مندربن ساوی، حاکم بحرین و سی‌بخت مرزبان هجر فرستاده ایشان را به اسلام یا پرداخت جزیه دعوت کرد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۱۱۴).

اگرچه آن دو نفر و بسیاری از اعراب آن دیار مسلمان شدند؛ اما مجوس، یهود و نصاری بحرین با قبول پرداخت جزیه شامل «مقاسمه» حاصل خرما و پرداخت یک دینار به ازای هر فرد بالغ، با نماینده پیامبر (ص) مصالحه کردند. بلاذری به نقل از حمید بن هلال می‌نویسد: «علاء بن حضرمی مالی را از بحرین برای رسول‌الله فرستاد که به هشتاد هزار بالغ می‌شد؛ نه پیش از آن و نه پس از آن چنین مقداری نزد وی نیامده بود»^۱ (پیشین: ۱۱۸). بدین ترتیب سنت اخذ جزیه از اهل کتاب که در زمان پیامبر شکل گرفت، به تدریج به یکی از منابع مالی

^۱ معمولاً تعیین خراج زمین به چند شکل انجام می‌گرفته است:

الف) مقاطعه: این خراج که آن را «اتاوه» هم نامیده‌اند، مبلغ معینی بوده که همه‌ساله از طرف صاحبان زمین پرداخت می‌شده است. میزان این نوع خراج برحسب قرارداد فی‌مابین تعیین می‌شده و ارتباطی با کشت یا بایر بودن زمین و همین‌طور تعداد جمعیت منطقه نداشته است. در نوع دیگری از مقاسمه تعیین خراج براساس مساحت زمین با لحاظ عواملی چون نوع خاک، نحوه آبیاری، نوع حاصل و مجاورت با بازار، میزان خراج سالانه به نسبت مساحت زمین تعیین می‌شده و تغییر میزان محصول برحسب سنوات مختلف بی‌اثر بوده است.

ب) مقاسمه: در این حالت خراج زمین نه برحسب مساحت، بلکه با توجه به محصول به‌دست‌آمده و به نسبت معین از قبیل نصف، ثلث و ربع برقرار می‌گردیده است. البته نوع دیگری از مقاسمه وجود داشت که مالکیت زمین از سوی صاحبان آن به صاحب قدرتی منقل می‌شده و صاحبان اصلی عنوان مزارع پیدا می‌کردند و درصدی از حاصل به صاحب قدرت تعلق می‌گرفته است.

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۷۷

دولت اسلامی تبدیل شد. با افزایش در آمد دولت نبوی و تنوع منابع آن نظیر غنیمت، جزیه، خراج، زکات و خمس، به تدریج زمینه‌های شکل‌گیری تشکیلات مالی جدیدی به نام بیت المال فراهم آمد. این واژه اگرچه امروزه به اموال عمومی و دولتی اطلاق می‌گردد؛ اما در صدر اسلام منظور از بیت‌المال، مکانی بود که این اموال در آن نگهداری می‌گردید (واقعی، بی‌تا: ۲۹۶).

منابع مالی موجود در عصر نبوی به دو دسته اموال دارای مصارف خاص و اموال عام، که مصارف آن‌ها مشخص نشده بود، تقسیم می‌شد. به‌طور مشخص خمس و زکات مصارف معین داشت و به‌طبع از موضوع تقسیم همگانی خارج بود. در مقابل سایر منابع بی‌المال نظیر غنیمت، انفال، خراج و جزیه، مصارف معینی نداشتند و به‌دست حاکم اسلامی برای انجام وظایف حکومتی و مصالح عامه مسلمانان، هزینه و یا میان ایشان تقسیم می‌شد. آنچه در سیره عملی پیامبر (ص) در مورد بیت‌المال درخور توجه است، حساسیت و رویکرد عدالت‌جویانه آن حضرت در گردآوری، حفظ و نگهداری، تقسیم و مصرف آن است. براساس گزارش منابع، پیامبر (ص) به تقسیم فوری و انباشته نکردن بیت‌المال اهتمام داشت؛ چنانکه اموال را حتی از بامداد تا نیمه‌روز و از شبانگاه تا فردای آن نگه نمی‌داشت (ابن‌سلام، بی‌تا: ۳۱۶). روش پیامبر (ص) تساوی و عدم ترجیح فرد یا گروهی بر دیگران بود. این روش از ایجاد نابرابری و شکاف طبقاتی در جامعه جلوگیری می‌کرد.

تثبیت مالکیت فردی و تشویق روحیه کار و تلاش

در کنار مسائل و موضوعاتی چون غنیمت و جزیه که بعد از هجرت پیامبر (ص) به مدینه و گسترش اسلام به وجود آمدند، از همان ابتدای ورود مسلمانان به مدینه، مشکلات اقتصادی جامعه اسلامی مورد توجه و اهتمام پیامبر قرار داشت. یکی از این مشکلات، مالکیت فردی بود. این موضوع در نزد عرب پیش از اسلام شناخته شده و دارای سابقه بود؛ برای مثال یک عرب بادیه‌نشین نسبت به اسلحه، چادر و چهارپایان خود دارای مالکیت فردی بود؛ همان

گونه‌که یک عرب شهرنشین نسبت به زمین، باغ و منزل خود این مالکیت را دارا بود (بطاینه، ۱۹۸۸: ۲۳-۲۲).

بعد از ورود رسول خدا به مدینه و آغاز غزوات، با اعطای غنایم از سوی پیامبر (ص) به مجاهدان مسلمان، مالکیت آنان بر این غنایم محرز می‌شد. به رسمیت شناختن مالکیت فردی و احترام به آن از سوی پیامبر (ص) را می‌وان در موضوع پیمان‌نامه صلح با مردمان نجران، ایله، بحرین و سایر مناطق دیگر به‌خوبی مشاهده کرد. پیامبر (ص) در این پیمان‌نامه‌ها بر احترام و به رسمیت شناختن مالکیت افراد بر اموال و دارایی‌های خود تأکید کرده و حتی ضمانت از آن را بر عهده دولت اسلامی قرار می‌دهد (ابن‌سعد، ۱۹۶۰: ۳۰۲/۱-۳۲۷؛ ابن‌سلام، بی‌تا: ۲۷۲).

خداوند متعال نیز در آیاتی چند از قرآن مجید بر احترام و توجه به مالکیت شخصی افراد تأکید می‌کند^۱. تأکید این آیات بر رسمیت حق مالکیت شخصی به گونه‌ای است که جای هیچ شک و تردیدی در اهمیت این موضوع باقی نمی‌گذارد. با نزول سوره انفال در مدینه که به باور بیشتر مفسران، پس از پایان نبرد بدر بود (طبرسی، ۲۰۰۶: ۳۱۲/۴، قرطبی، ۱۴۰۵: ۳۶۱). مناسبت‌های مالکیت شخصی و عمومی به میان آمد و ملاک‌های دوران جاهلیت - که براساس تصرف و اقتدار بود - کنار گذاشته شد (ابن‌عبد ربه، ۱۹۶۵: ۲۴۴) و بهره‌گیری از غنایم را پیرو قانون‌های معینی قرار داد تا هم مالکیت فرد رسمیت داشته باشد و هم نیازهای مالی دولت اسلامی برطرف شود. همچنین قانون‌های مالکیت شخصی، همسو با هدف‌های اقتصادی - اجتماعی جامعه مسلمانان تعریف شد و همچون سایر قوانین اسلامی، پس از فراهم شدن زمینه‌های عینی آن در جامعه (غنایم جنگ بدر) و به تدریج برای کاهش مخالفت‌ها در جامعه اجرا شد.

همسویی مالکیت شخصی با هدف‌های اقتصادی - اجتماعی به معنای اولویت نیازهای کلی اجتماع مسلمانان و ترجیح آن بر منافع شخصی افراد بود. پیامبر (ص) گسترش روحیه کار و کوشش در بین مسلمانان را تشویق و از آن حمایت می‌کرد. بررسی تاریخ زندگی پیامبر

^۱انعام/ ۱۵۲، بقره/ ۲۷۹، نساء/ ۳۲

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۷۹

(ص) نشان می‌دهد که ایشان از همان اوان نوجوانی ضمن پرهیز از کسالت و تنبلی به کار و تلاش سازنده اهمیت ویژه‌ای می‌داد. اشاره منابع اولیه به اشتغال پیامبر (ص) به شبانی برای مردم مکه حاکی از این موضوع است؛ از این رو اهمیت فرهنگ کار و پرهیز از تنبلی و کسالت در سیره اقتصادی پیامبر (ص) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. بر این اساس ضمن آنکه در مقام نیایش از بیکاری و تنبلی به خدا پناه می‌برد، در مقام عمل نیز خود الگوی کاملی برای مسلمانان در کار و تلاش بود.

پیامبر (ص) در راستای تشویق مسلمانان به کار و تلاش بیشتر می‌فرمودند که دستی که برای تأمین مخارج زندگی به کار گرفته می‌شود، آتش جهنم را لمس نخواهد کرد. ایشان ضمن تأکید بر رعایت حال کارگران می‌فرمود قبل از آنکه عرق کارگر خشک شود، مزد او را بدهید و کسی که مزد کارگر را ندهد و بر او ظلم کند، عملش پوچ و بوی بهشت بر او حرام می‌گردد (ابن حجر، ۲۰۰۵: ۴۲۸/۱). مطالعه سیره عملی پیامبر (ص) در مدینه نشان می‌دهد که تلاش در جهت کارآفرینی و قطع وابستگی مسلمانان به اهل کتاب از جایگاه ویژه‌ای در راهبرد اقتصادی دولت نبوی برخوردار بود؛ از این رو ایشان می‌فرمودند هر کس از دسترنج خود بخورد، خداوند با نظر رحمت به او نگاه خواهد کرد و او را عذاب نمی‌کند (نوری، ۱۳۶۶: ۴۱۵/۲) و هر کس زمین بایری را احیا کند، بر آن مالکیت پیدا خواهد کرد (الحر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۷: ۳۲۷).

ساماندهی مناسبات مالی خانواده (مهریه و ارثیه)

پیامبر (ص) تلاش کرد تا برای برخی از جرایم و اختلافات فردی که ریشه در مسائل اقتصادی داشت و آثار آن در مناسبات و روابط اجتماعی خود را نشان می‌داد، چاره‌ای بیندیشد. یکی از این موارد، مسئله مهریه در روابط زوجین بود. در عصر جاهلیت نظر به اینکه برای زنان چندان ارزشی قائل نبودند، غالباً مهر را که حق مسلم زن بود، در اختیار اولیای او قرار می‌دادند و آن را ملک مسلم آن‌ها می‌دانستند. گاهی نیز مهر یک زن را ازدواج زن دیگری

قرار می‌دادند. پیامبر (ص) ضمن نفی این سنت‌های جاهلی، مهر را حق مسلم زن دانست و پرداخت مهریه‌ای که از آن زن بود، به مرد لازم نمی‌دانست.

پیامبر (ص) در این رابطه تلاش کرد تا ضمن سامان‌دهی این موضوع در عین حال بر عدم سخت‌گیری در انتخاب میزان مهریه و در مقابل تحکیم پیوندهای قلبی و عاطفی در ازدواج تأکید کند. بسیاری از عالمان و سیره‌نویسان، مهریه همسران پیامبر (ص) را دوازده و نیم اوقیه، برابر با پانصد درهم بیان کرده‌اند (کافی، ۱۳۷۵: ۳۷۹/۵؛ ابن‌کثیر، ۱۹۷۶: ۳/ ۲۷۳). خداوند متعال نیز در این مورد و در آیه چهارم سوره «نساء» بر لزوم پرداخت مهریه زنان از روی رضایت و طیب خاطر تأکید می‌کند.

در زمینه قصاص و دیه نیز از آنجا که در نزد مردم شبه‌جزیره عربستان پیش از اسلام قانونی فراگیر وجود نداشت و هر قبیله عرف ویژه خود را داشت، پیامبر (ص) به‌منظور اجرای عدالت و تأمین حقوق فرد زیان‌دیده، نظام جدیدی را به وجود آورد. براساس این نظام، اسلام انتقام‌گیری اغلب ناعادلانه و افراط‌گرایانه قبایل عرب از همدیگر (جواد علی، ۱۹۸۷: ۴ / ۳۹۷-۴۰۰) را به قصاص عادلانه (صرفاً در برابر قتل عمد) هدایت و به گذشتن از قصاص و گذشت سفارش کرد و دریافت دیه را به‌جای قصاص و نیز در قتل غیرعمد مشروعیت بخشید.^۱

از دیگر اقدامات پیامبر (ص) ساماندهی مسئله ارث بود. اعراب در دوره جاهلیت برای زنان و دختران، سهمی از ارث قائل نبودند و تنها مردان از آن حق برخوردار بودند. آنها معتقد بودند که زنان به‌واسطه ضعف جسمانی و ناتوانی شرکت در میدان جنگ از ارث محرومند (ابن‌حیب، ۱۹۸۱: ۲۳۶-۳۲۴-۳۲۵). در زمان حضور پیامبر (ص) در مدینه برادر حسان بن ثابت شاعر معروف عرب، از دنیا رفت و از او زنی با چند دختر باقی ماند. پسر عموهای او همه دارائی وی را تصرف کردند و چیزی به زن و فرزندان او ندادند. زن شکایت نزد پیامبر (ص) برد. رسول اکرم (ص) آنها را احضار کرد. آنها گفتند زن که قادر نیست سلاح بپوشد و در مقابل دشمن بایستد، این ما هستیم که باید شمشیر دست بگیریم و از خود

^۱ بقره/ ۱۷۸

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۸۱

و از این زن‌ها دفاع کنیم؛ پس ثروت هم باید متعلق به مردان باشد؛ اما پیامبر (ص) ضمن ابلاغ حکم خدا به آن‌ها بر ابطال سنت‌های جاهلی تأکید کرد (بطاینه، بی‌تا: ۲۳). در این زمان آیات یازدهم و دوازدهم سوره نساء نازل شد.

گسترش روحیه انفاق به فقرا و کمک به همدیگر از جمله موارد دیگری بود که در سیاست‌های اقتصادی پیامبر (ص) و در حوزه مناسبات فردی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. در این زمینه از ایشان روایات متعددی ذکر شده است. براساس گزارش منابع اولیه، پیامبر (ص) حتی از وضعیت افرادی که دچار ورشکستگی می‌شدند و یا از دنیا می‌رفتند، غافل نبود و در جهت حل مشکلات آنان تلاش می‌کرد. ایشان در این مورد گاهی افرادی را مأمور انجام این وظایف می‌کردند. (ابن حبیب، ۱۹۸۱: ۳۲۸-۳۴۰).

استفاده از ظرفیت اقتصاد زراعی مدینه‌النبی

باوجود محدودیت منابع آبی در شبه‌جزیره عربستان، اعراب ساکن در این شبه‌جزیره با کشاورزی آشنایی داشته و از آن به‌عنوان یکی از منابع تأمین معاش و درآمد خود استفاده می‌کردند. مهم‌ترین منابع آبی شبه‌جزیره در منطقه حجاز عمدتاً شامل چشمه‌ها، چاه‌ها، برخی زمین‌های نسبتاً باتلاقی و برکه‌هایی بودند که به‌صورت پراکنده در این منطقه وجود داشتند. به‌علت همین محدودیت و پراکندگی منابع آب، کشاورزی در مناطق مختلف شبه‌جزیره از نظر کیفیت و نوع محصول متفاوت بود؛ برای مثال مناطقی مانند خیبر، وادی القری، فدک، یثرب، یمن، عمان، هجر و یمامه به‌دلیل داشتن منابع آب نسبتاً کافی، دارای نخلستان‌های وسیع خرما بودند؛ به‌گونه‌ای که خرماهای مناطقی مانند خیبر و هجر در این زمینه از شهرت خاصی برخوردار بود (ابن هشام، ۱۹۷۶: ۲/۹۴). همچنین کشت گندم، جو و ذرت در مناطقی مانند خیبر، یثرب، طائف، یمن و یمامه رایج و شهر طائف به‌واسطه داشتن انگور و میوه‌های مختلف از شهرت خاصی برخوردار بود (مقدسی، ۱۹۸۰: ۱۰۱).

هوای معتدل طائف در کنار خاک حاصلخیز و آب فراوان سبب گسترش فعالیت‌های کشاورزی در منطقه وسیعی از آن شده بود. در میان تولیدات طائف، گندم از درجه اهمیت

برخوردار بود؛ به گونه‌ای که همه شهرهای حجاز و به‌ویژه مکه به گندم طائف وابسته بودند. کاروان‌هایی که از راه «سُراه» و طائف باز می‌گشتند، با خود گندم، حبوبات، روغن و غسل به مکه حمل می‌کردند (ازرقی، ۱۴۱۶: ۲/۱۹۳). همچنین طائف به داشتن انواع مختلف میوه شهرت داشت؛ از جمله میوه‌هایی که در آنجا بیشتر عمل می‌آمد می‌توان به خرما، انواع انگور، موز، انار، انجیر، هلو و خربزه اشاره کرد (بلاذری، ۱۳۶۷: ۶۹؛ مقدسی، ۱۹۸۰: ۷۹). نام برخی از این محصولات کشاورزی و میوه‌ها در آیات قرآن ذکر شده است.^۱

شهر یثرب نیز به‌واسطه برخورداری از آب کافی و وجود زمین‌های آتشفشانی، جزو مناطق حاصلخیز حجاز محسوب می‌شد. مهم‌ترین محصول کشاورزی این شهر خرما بود که زندگی مردم، عمدتاً وابسته به همین محصول بود (یعقوبی، ۱۹۶۰: ۳۱۳). جو دومین منبع درآمد زراعی یثرب محسوب می‌شد. غذای مردم این شهر جو و خرما بود؛ اما افراد توانگر برای مصرف خود آرد سفید هم می‌خریدند. در زمین‌های یثرب علاوه بر جو، خرما و گندم، میوه‌هایی نظیر انگور، موز و انار نیز به عمل می‌آمد. بستان‌ها و باغ‌های مدینه به «حوائط» مشهور بودند. یکی از منابع درآمد کشاورزی آنجا دانه درخت «بان» بود که از آن شهر به سرزمین‌های دیگر حمل می‌شد (ابن‌فقیه، ۱۸۸۵: ۲۵). قرآن کریم بارها از ارزش آب و زمین و نعمت‌های الهی حاصل از اختلاط این دو یاد می‌کند.^۲

پیامبر (ص) نیز ضمن تشویق مردم به زراعت و کشاورزی، از کشاورزان با عنوان گنج‌های اجتماع یاد می‌کردند. به این ترتیب تعالیم نبوی و آموزه‌های وحیانی از مهم‌ترین انگیزه‌های مسلمانان در توسعه کشاورزی بود. پیامبر (صل) کوشید تا عرب را از حالت شبانی و بیانگردی به کشاورزانی کوشا تبدیل کند و این گام مهمی در جهت تقویت کشاورزی و کنترل نظام قبیله‌ای بود (خاکرند، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

^۱ مؤمنون/۱۹، انعام/۴۱، الرحمن/۲۵، عبس/۳۱، بقره/۶۱

^۲ رعد/۴

پیامبر (ص) و تقویت کشاورزی و اقتصاد زراعی

گزارش منابع تاریخی موید این موضوع است که ورود پیامبر (ص) به شهر مدینه نه تنها باعث توقف فعالیت‌های کشاورزی نگردد، بلکه دیدگاه ایشان مبتنی بر توسعه و گسترش این گونه فعالیت‌ها بود. پیامبر (ص) با اتخاذ راهبردی نوین برای مرتفع ساختن نیازهای اقتصادی مهاجران و جامعه مدینه و متناسب با شرایط و محیط جدید، زمینه حضور جدی مسلمانان مهاجر را در فعالیت‌های اقتصاد زراعی مهیا کرد.

پیامبر (ص) تلاش کرد تا با حل مشکلات موجود بین مالکان، کشاورزان و روابط بین این دو گروه، ضمن اصلاح روش‌های کشاورزی، آن‌ها را تحت یک نظام اقتصادی منسجم قرار دهد. این موضوع باعث افزایش محصولات کشاورزی گردید (ابویوسف، ۱۳۸۲: ۸۹-۹۰). هرچند مردم مکه عمدتاً به کار تجارت مشغول بودند؛ اما مهاجران بعد از هجرت به مدینه دوشادوش انصار مشغول به کارهای کشاورزی شدند (الواحدی، ۱۹۷۸: ۲۸۰). پس از آغاز پیروزی مسلمانان بر یهودیان بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و خیبر، طبعاً مهاجران نیز توانستند زمین‌هایی را از پیامبر (ص) دریافت کنند و در جرگه زمین‌داران یا کشاورزان مدینه در آیند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۴۸۱).

بسیاری از زمین‌های زراعی در «وادی عقیق» و در منطقه «عالیه»، میان بیشتر مهاجران تقسیم شد. بلاذری می‌نویسد که مهاجران زمین‌های زراعی بزرگ زیادی را در «غابه» و «حره شرقی» صاحب شدند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۹۸). از آنجایی که این زمین‌ها متعلق به دولت اسلامی بود، طبیعتاً مسلمانانی که در این زمین‌ها مشغول کشت و زرع بودند، حکم اجاره‌کننده زمین‌های حکومت را داشتند و موظف به پرداخت اجاره معینی بودند. زمین‌داران و کشاورزان در زمین‌های مزروعی به کشت محصولات متعددی مانند گندم، جو و خرما می‌پرداختند و در کنار آن‌ها باغ‌هایی نیز برای تولید انگور و انجیر احداث می‌کردند.

تعریف قواعد و موازین نوین اقتصاد زراعی

هرچند مدینه بیشتر یک شهر زراعی بود و مردم آن از دیرباز با زراعت آشنا بودند؛ اما با حضور پیامبر (ص) در این شهر، شکل‌گیری جامعه جدید و تشکیل دولت اسلامی، لازم بود تا سیاست‌های زراعی و قواعد نوینی برای تقویت و توسعه زراعت و ایجاد تعادل در اقتصاد زراعی مدینه شکل گیرد.

بنا بر تصریح آیات قرآن و مقرراتی که پیامبر (ص) معین کرده بود، بر تولیدات و محصولات زراعی زکات معینی تعلق می‌گرفت که زمین‌داران و کشاورزان بعد از برآورد مأموران ویژه پیامبر (ص)، به پرداخت آن موظف بودند. همچنین براساس گزارش منابع اولیه، پیامبر (ص) در برخی موارد، اراضی مفتوحه را به منظور زراعت در اختیار ساکنان همان منطقه قرار می‌داد. در این موارد طی قراردادی مردم آن مناطق به پرداخت خراج موظف بودند که در قالب‌های معینی باید پرداخت می‌شد. نکته درخور توجه آنکه در این قراردادها به نوع کشت آبی یا دیم بودن محصول نیز توجه می‌شد.

بلاذری در این زمینه می‌نویسد: رسول‌الله (ص) نامه‌ای به معاذ بن جبل که در یمن بود، نوشت در این باب که نسبت به آنچه به آب آسمان یا غیل مشروب شود، ده یک مقرر است و بر آنچه به غرب و دالیه آبیاری شود، نیم عشر جاری است... گویند که غیل، آب جاری بر سطح زمین و غرب دلو است؛ یعنی هر آنچه به سوانی و دوالی و دوالیب و غرافات مشروب شود. بعل نیز به آب جاری بر سطح زمین است^۱ (بلاذری، ۱۳۶۷: ۱۰۵-۱۰۴). این موضوع علاوه بر آنکه زمینه بهره‌برداری از این اراضی را فراهم می‌کرد، موجب تقویت وضعیت اقتصادی مسلمانان نیز می‌گردید. نمونه این گونه قراردادها را می‌توان در هنگام فتح مناطقی مانند خیبر، ثقیف و بحرین مشاهده کرد.

^۱ سانیه، دالیه، دولاب، غرافه، ناعوره (جمع آن نواعیر) و مخبون (جمع آن مخبونات) از اشکال مختلف چرخ آبیاری بود که مورد استفاده کشاورزان قرار می‌گرفت. از آنجا که آبیاری اراضی کشاورزی با این وسایل زحمت بیشتری داشت، مشمول نیم عشر و اراضی دیگری که توسط باران، نهر و کاریز آبیاری شده و زحمت کمتری داشت، شامل عشر می‌گردید.

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۸۵

در زمان پیامبر (ص) عوامل متعددی در حفظ منابع گیاهی مدینه نقش داشت. قطع درخت سدر جز برای شخم زدن ممنوع بود (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲/۲۲). در این زمان آبیاری زمین‌های کشاورزی نظام‌مند شد و این موضوع نقش مهمی در گسترش کشاورزی داشت. در مسیل رودخانه‌های فصلی در مهزور، مدینیب و بطحان، آب به اندازه‌ای جمع می‌شد که تا قوزک پا می‌رسید و هنگامی که به این اندازه می‌رسید، سهم آب به زمین دیگری واگذار می‌شد. براساس گزارش منابع، سهم حق‌آبه برای نخل‌داران تا پاشنه پا و برای کشاورزان تا جایی بود که روی کفش را بپوشاند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۱۱۹). مهم‌ترین درخت زراعی در مدینه نخل بود که بیشتر اموال اهل مدینه را شامل می‌شد. اهمیت زراعت درخت نخل در زمان پیامبر (ص) به حدی رسید که یکی از حقوق بردگان این بود که برای آزادی با صاحبان خود قرار می‌گذاشتند که تعدادی نهال خرما برای او بکارند. از شاخه‌ها و تنه درختان خرما برای سقف و ستون خانه‌ها استفاده می‌شد. افزون بر آن از الیاف و برگ خرما در تهیه زنبیل، سبد، بوریا، حصیر و مانند آن بهره می‌گرفتند (ابن سعد، ۱۹۶۰: ۴۹۱/۱).

میوه درخت نخل از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین میوه‌ها نزد مردم مدینه بود و آن‌ها هنگامی که نخستین میوه نخل را می‌دیدند آن را نزد پیامبر (ص) می‌آوردند. پیامبر (ص) آن را می‌گرفت و برای برکت آن دعا می‌فرمود. بدین ترتیب حضور پیامبر (ص) در مدینه باعث گردید تا به تدریج نظامی منسجم در حوزه زراعت شکل گیرد. تعیین وضعیت مالکیت افراد، اصلاح روش‌های کشاورزی، احیای چشمه‌ها و اراضی بایر و تشویق به زراعت، بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت نبوی بود که در رشد و توسعه این بخش نقش مؤثری داشت.

گسترش مناسبات تجاری و بازرگانی در مدینه‌النبی

اعراب، قبل از ظهور اسلام به‌عنوان بازرگان، دلال و نگهبان قافله در فعالیت‌های تجاری حضور داشتند. آن‌ها علاوه بر روابط تجاری با کشورهای دور و نزدیک، تعدادی از بازارهای دائمی و فصلی در داخل شبه‌جزیره دایر کرده بودند و در آن‌ها مشغول فعالیت بودند؛ از جمله

بازارهای دائمی که در داخل شهر مدینه دایر بودند، می‌توان به بازارهای بنی‌قینقاع، زباله، جسر و بطحاء اشاره کرد (ابن‌هشام، ۱۹۷۱: ۳/ ۵۱).

در کنار این بازارها، در پاره‌ای از ایام سال، بازارهایی به صورت فصلی و موقت دایر بودند که از جمله این بازارها می‌توان به عکاظ، ذوالمجار، دومه‌الجندل، رابیه، حضرموت، خیبر، مجنه و بدر اشاره کرد. براساس گزارش برخی از منابع، تجار و بازرگانانی از کشورهای دور و نزدیک و از جمله چین و هند در این بازارها رفت و آمد داشتند (یعقوبی، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۴۹-۳۵۰). برخی از مفسران قرآن در تفسیر و شأن نزول سوره مبارک «قریش» آن را به سفرهای تجاری افرادی مانند هاشم، عبدشمس، مطلب و نوفل نسبت داده‌اند (قرطبی، ۱۹۶۷: سوره قریش). این سفرهای تجاری باعث می‌گردید تا سود خوبی نصیب تجار عرب گردد؛ برای مثال برخی از منابع از وجود دو هزار و پانصد شتر در کاروان تجاری قریش در جریان جنگ بدر که قافله‌سالاری آن را ابوسفیان برعهده داشت یاد کرده‌اند (ابن‌هشام، ۱۹۷۱: ۲/ ۲۵۷؛ مسعودی، ۱۹۶۴: ۲۱۸).

سرمایه بعضی از این بازرگانان به حدی بود که در ظروف طلا و نقره غذا و آب می‌خوردند (جواد علی، ۱۹۶۹: ۷/ ۴۳۹). همچنین آنچه اهل مکه به‌عنوان فدیة برای آزادی اسیران خود در غزوة بدر پرداختند، حاکی از ثروت آنان بود (واقدی، ۱۳۶۹: ۹۶). موقعیت جغرافیایی شهر مکه به‌واسطه قرار گرفتن در مسیر راه‌های تجاری جنوب به شمال، انحطاط و فروپاشی دولت یمن و داشتن زبان مشترک با بیشتر ملل مجاور، از جمله عواملی بودند که باعث گردید تا اندکی پیش از ظهور اسلام، این شهر به‌سرعت از قصبه کوچکی که معبدی محلی و بازارهای کوچک برای قبایل اطراف داشت، به ام‌القرا بدل شده و شهری نسبتاً بزرگ، همراه با بازارها و روابط تجاری با جنوب، شام، مصر و عراق گردد (فیرحی، ۱۳۷۸: ۱۲۶). قریش هیچ‌کاری را بر امر تجارت خود مقدم نمی‌داشت. طه حسین می‌نویسد: من اطمینان دارم که بت‌پرستی اهل مکه از روی صدق و خلوص نبود، بلکه به‌وسیله دین، بازرگانی می‌کردند (طه حسین، ۱۳۴۶: ۱۳).

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۸۷

وجود کعبه باعث می‌گردید تا اعراب از همه نواحی عربستان رهسپار زیارت این خانه شوند. آن‌ها علاوه بر زیارت، در بازارهایی که هر سال نزدیک مکه دایر می‌شد، تجارت می‌کردند. (همانجا) به واسطه همین منافع تجاری و سود درخور توجه، علاوه بر ساکنان مکه، برخی از اعراب ساکن در مناطق مختلف شبه جزیره مانند شهرهای یمن، هجر و بحرین به کار تجارت اشتغال داشتند. تأثیر تجارت بر وضعیت مناسب اقتصادی این مناطق را در میزان زکات و صدقات آن‌ها به دولت اسلامی مدینه می‌توان به خوبی مشاهده کرد (جواد علی، ۱۹۶۹: ۷/ ۲۳۳). به نظر می‌رسد با توجه به همین آشنایی اعراب با تجارت و انتفاع آنان از این موضوع است که خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن در مورد تجارت سخن گفته و آنان را به یک تجارت پرسودتر وعده داده است.^۱

در کنار این ثروتمندان، بردگان و تهیدستانی وجود داشتند که از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار نبودند. سنت اطعام فقرا که مایه مباهات و تفاخر ثروتمندان دوره جاهلی بود، شدت فقر و نیاز مردم تهیدست مکه را نشان می‌دهد (خاکرند، ۱۳۹۰: ۹۹). مری وات با اشاره به وجود صفات رذیله‌ای مانند می‌گساری، قمار، فحشا و دنیاطلبی در نزد ثروتمندان قریش می‌نویسد: مردم مکه (به‌هنگام بعثت) به فکر افزایش ثروت و قدرت بودند. آنان که اندک موقعیتی به دست آورده بودند، کم‌کم به غرور گراییدند و کارشان به گستاخی کشید و در اعتقاد به قدرت بشر غلو کردند (موننگمری وات، ۱۳۴۴: ۶۷). از این رو قرآن نیز میان پدران بت‌پرست و ثروتمندان تن‌پرور پیوند زده^۲ و در سوره‌های مکی به مذمت و توبیخ برخی از ثروتمندان قریش پرداخته است.^۳ اما در سوره‌های مدنی ثروت یا در چهارچوب تشویق نیکوکاری و بخشش به فقرا ذکر شده و یا در چهارچوب تشویق مشارکت در آماده سازی سربازان برای جنگ با مشرکان (جابری، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

^۱ صف/ ۱۰، جمعه/ ۱۱، مطففین/ ۳-۱، نور/ ۳۷، شعرا/ ۱۸۱، توبه/ ۲۴

^۲ زخرف/ ۳۳

^۳ مسد/ ۵-۱ (ابولهب) علق/ ۷-۶ (ابوجهل) مدثر/ ۱۴-۱۱ (ولیدبن مغیره)

راهبرد تجاری پیامبر (ص) در مدینه‌النبی

پس از تشکیل دولت اسلامی مدینه، تجارت همچنان به قوت خود باقی ماند. بسیاری از مفاهیم قرآنی برای عموم مسلمانان و به خصوص بازرگانان، دارای اخلاق اقتصادی است. در قرآن کریم مفاهیمی مانند تجارت، بیع، شراء، قرض‌الحسنه، ربح و موارد دیگر، جنبه اخلاق اقتصادی مسلمان مؤمن را همانند جنبه‌های دیگر اخلاق اسلامی پرورش می‌دهند (خاکرند، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

قرآن کریم هیچگاه افراد بیکار و گوشه‌نشین را مردان خدا معرفی نمی‌کند، بلکه مردان خدا از دید قرآن کسانی هستند که اگر به کار تجارت مشغول شدند، از ذکر و یاد خدا غفلت نوزند.^۱ اسلام نه تنها تجارت را نفی نکرده است، بلکه با تشویق مسلمانان به سیر و سیاحت، آنان را به تفکر در عالم طبیعت و گشایش در زندگی مادی هدایت می‌کند. براساس گزارش برخی از منابع، پس از بعثت پیامبر (ص) برخی از اصحاب برای حضور در بازارهای عصر جاهلی با تردیدهایی مواجه بودند که با تأکیدات پیامبر (ص) بر اهمیت کار و تجارت و نزول برخی از آیات قرآن، این مسئله منتفی شد. از ابن عباس نقل شده است که عکاظ، مجنه و ذوی‌المجار از بازارهای عصر جاهلی بودند که با آمدن اسلام ما از حضور در آنها کراهت داشتیم تا اینکه آیه ۱۹۸ سوره بقره نازل شد (بیهقی، ۱۲۹۵: ۴ / ۳۳۳). وجود برخی از انواع معاملات جاهلی در ساختار نظام اقتصادی شبه‌جزیره باعث گردید تا پیامبر (ص) برای برون‌رفت از آنها چاره‌ای بیندیشد.

اصلاح بازار و تبیین تجارت اسلامی

سیاست پیامبر (ص) در برخورد با تجارت و خرید و فروش رایج در شبه‌جزیره به گونه‌ای بود که در راستای حذف معاملات جاهلی و ظالمانه و جایگزینی قوانین شرعی به جای آنها تلاش می‌کرد. از جمله این موارد می‌توان به تحریم برخی از انواع معاملات و خرید و فروش

^۱ نور / ۳۷

ها اشاره کرد. پیامبر (ص) از هرگونه معامله‌ای که در آن غش، فریب، حيله و تدلیس وجود داشت، نهی می‌کرد. از جمله معاملاتی که پیامبر (ص) آن‌ها را تحریم کرد می‌توان به الحصاه^۱، الملامسه^۲، المزابنه^۳، التصریه^۴، النجش^۵، حبل‌الحبله^۶، المضامین^۷ و الغرر^۸ اشاره کرد.

^۱ برای این نوع معامله تفسیرهای مختلفی بیان شده است؛ اما شکل آن به این صورت بود که با پرتاب سنگ‌ریزه انجام می‌شد؛ به عبارتی مشتری سنگی به سوی کالاهای فروشنده پرتاب می‌کرد تا با اصابت آن مبیع تعیین شود. یا اینکه در خرید و فروش زمین حدود مبیع با پرتاب سنگ تعیین می‌شد. در نوع دیگری از آن فروشنده مثنی ریگ برمی‌داشت تا در برابر هر عدد، یک درهم از خریدار بگیرد و ثمن معامله تعیین شود. با توجه به اینکه در این خرید و فروش نسبت به مورد معامله جهل وجود داشت، این گونه معامله از سوی پیامبر تحریم شد.

^۲ معامله‌ای بود که خریدار بدون دیدن کالا و صرفاً با لمس آن در تاریکی شب یا پشت پرده اقدام به خرید آن می‌کرد. معامه مذکور بدون تعیین نوع کالا صورت می‌گرفت، سپس برای تعیین آن، خریدار کالا را لمس می‌کرد.

^۳ فروختن میوه موجود بر درخت خرما در برابر خرما را بیع مزابنه گویند.

^۴ به ندوشیدن حیوان به انگیزه پر شیر نشان دادن پستان آن هنگام فروش تصریه گفته می‌شود. تصریه عبارت است از اینکه صاحب حیوان شیرده، آن را چند روزی ندوشد تا پستانش پر از شیر گردد، سپس آن را برای فروش عرضه و به مشتری بی‌اطلاع از واقعیت چنین وانمود کند که حیوان، بسیار شیرده است و در نتیجه آن را گران‌تر از قیمت واقعی خود بفروشد.

^۵ نجش به این معناست که شخص بدون قصد خریدن، قیمت متاع را زیاد کند تا دیگری بشنود و آن را به مبلغ بیشتری بخرد. خواه قبلاً یا با بیع تبانی و توافق کرده باشد و خواه نکرده باشد. یا بر اثر توافق قبلی با بایع متاع را به منظور تبلیغ، ستایش و تعریف کند؛ به عبارت دیگر نجش این است که شخص ثمن را زیاد کند، نه از جهت میل و رغبت خود در خریدن آن، بلکه برای افزودن رغبت دیگری و فریب دادن وی.

^۶ بیع حبل‌الحبله عبارت است از خرید و فروش نتاج نتاج؛ یعنی فرزند جنین موجود در رحم شتر و یا فروختن کالا به مبلغی که زمان بازپرداخت آن، باردار شدن جنین فعلی باشد. این نوع بیع نیز که در زمان جاهلیت رواج داشته از سوی پیامبر (ص) نهی شده و به دلیل وجود جهالت و قاعده غرر در آن، باطل است.

^۷ بیع مضامین خرید و فروش منی موجود در صلب حیوان نر است. در این نوع معامله منی حیوان نر را برای جفت‌گیری در مدت معینی می‌فروختند.

^۸ غرر یعنی خطر، در معرض هلاک افتادن و منظور از بیع الغرر یعنی معامله چیزی که ظاهرش مشتری را گول زند و باطن آن مجهول باشد.

یکی دیگر از اقدامات پیامبر (ص) در حوزه نظام اقتصادی شبه‌جزیره، تحریم ربا بود. موضوعی که در تجارت آن روز امری رایج بود. وضعیت یشرب در نیمه اول عهد مدنی حکایت از تقسیم‌بندی اولیه براساس شکاف مالی نسبتاً وسیع میان مهاجران و انصار دارد. این اختلاف شدید طبقاتی تا پیش از تحریم رباخواری موجب می‌شد که مسلمانان نیازمند، طعمه بسیار خوبی برای رباخواران باشند. فروشندگان نیز طبعاً کالاهای خود را به این اصحاب، گران و کم می‌فروختند و از کیل و پیمانه می‌دزدیدند. یکی از مبادلات تجاری در جامعه عرب آن روز که جنبه ربوی داشت، معامله دو کالای همجنس با دریافت زیادی در یک طرف بود؛ برای مثال و براساس این معامله، اعراب یک پیمانه خرما را در ازای دریافت دو یا سه پیمانه از انواع خرماهای دیگر می‌فروختند. این نوع از معامله که بعدها در اصطلاح فقه اسلامی ربای تفاضل یا فضل نام گرفت، در مورد اجناس دیگر و از جمله طلا و نقره هم صادق بود (حلی، ۱۴۱۰: ۲/۵۳۸). پیامبر (ص) این نوع معاملات را حرام اعلام کرد.

از عباده بن صامت نقل شده است که در روز خیبر پیامبر (ص) ما را از معامله خاک طلا با طلای شکل‌گرفته و نقره ریخته‌نشده با بهای مشخص نهی کرد و فرمودند صرفاً این دو را با بهای مشخص معامله کنید (ابن هشام، ۱۹۷۱: ۳/۳۴۶). خداوند متعال در قرآن در موارد مختلف ضمن طرح موضوع ربا به نفی و مبارزه با آن پرداخته است.^۱ در آیه ۱۳۰ سوره آل‌عمران که در سال سوم هجرت نازل شد؛ عمل کسانی که در قبال تأخیر در دریافت طلب خود، اقدام به دریافت وجه اضافه از بدهکار می‌کردند را مذموم و حرام شمرده است. در سال هشتم هجرت، پیامبر (ص) با درخواست نمایندگان طائف در مورد معافیت از تحریم ربا مخالفت کرد. همچنین آن حضرت در سال دهم هجرت یکی از شروط صلح با مردم نجران را ترک رباخواری قرار داد. در این عهدنامه چنین ذکر شده که در صورت بی‌توجهی به این بند، از حمایت دولت اسلامی خارج خواهند شد (ابویوسف، ۱۳۸۲: ۷۲).

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۹۱

پیامبر (ص) در بخشی از خطبه معروف خود در حجه‌الوداع ضمن نفی ارزش‌های جاهلی و پایان آنچه در دوره جاهلی اتفاق افتاده، فرمودند: تمام رباهای مقرر در دوره جاهلیت را زیر پای می‌اندازم و از همه پیشتر رباهایی که برای عباس است (ابن‌هشام، ۱۹۷۱: ۴/ ۲۵۱). از سوی دیگر در هنگام ورود پیامبر (ص) به مدینه، کشاورزانی بودند که محصول خرما را بدون هیچ‌گونه سندی برای یک یا دو و سه سال آینده پیش‌فروش می‌کردند. در این مورد از عبدالله بن عباس نقل چنین شده که زمانی که رسول خدا وارد مدینه شد، ساکنان آن شهر محصولات کشاورزی خود را برای یک، دو و سه سال پیش‌فروش می‌کردند؛ بنابراین پیامبر فرمود: هرکس چیزی را پیش‌فروش می‌کند، باید آن را با پیمان‌های معلوم و وزنی معلوم تا مدتی معلوم پیش‌فروش کند (ابن‌حجر، ۱۸۸۳: ۴/ ۱۲۲). در این رابطه آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره ضمن تأیید این‌گونه معاملات و به‌منظور پیشگیری از هر گونه شک و اختلافی در آینده، بر اهمیت ثبت این‌گونه معاملات تأکید می‌کند.

تأسیس بازار نوین در مدینه‌النبی

قبل از اسلام، یثرب بازارهایی داشت که مردم در آن به داد و ستد می‌پرداختند. مهاجران در ابتدا به‌علت نداشتن سرمایه، در مزارع و باغ‌های انصار کار می‌کردند و گروه زیادی در فقر و نیازمندی بودند؛ اما بعد از بهبود وضع مالی مسلمانان، پیامبر بازاری برای آنان تعیین کرد و کاروان‌های تجاری تدارک دید که با بلاد شام و عراق به تجارت می‌پرداختند (جواد علی، ۱۹۶۹: ۳۱۴-۳۱۳). آن حضرت نخستین کسی بود که بازاری در نزدیکی محله‌های مسکونی شهر مدینه ساخت و این سرآغاز تحولات عمرانی بود که بعدها در شهرهای اسلامی حاصل شد و استمرار یافت. این بازارها به‌منظور رونق زندگی اقتصادی و اجتماعی در مدینه و ایجاد استقلال از بازارهای یهود شکل گرفتند (ابن‌حجر، ۱۴۱۵: ۳/ ۵۳۴).

انتخاب محل بازار مدینه نقش مهمی در شکوفایی تجارت مسلمانان داشت؛ زیرا این بازار در محلی بود که به‌عنوان دروازه اصلی شهر محسوب می‌شد. در این بازار انواع کالاها از قبیل خرما، گندم، روغن، کشک، ابزارآلات نظامی چون شمشیر، زره، نیزه، زیورآلات و انواع

چهارپایان خرید و فروش می‌شد. افزون‌بر آن تمام کالاهایی که از خارج از مدینه وارد می‌شد؛ مانند زیتون، عسل، اسب و برخی وسائل تجملی مانند ظروف نقره در این محل فروخته می‌شد. (پیشین: ۶۰۷) مقایسه بازارهای قدیمی منطقه حجاز با بازار مدینه که پیامبر (ص) آن را تأسیس کرد، بیانگر طراحی جدیدی است که اسلام مبدع آن بوده است. رسول خدا نظام بازرسی و مراقبت را در بازار تأسیس کرد و خود شخصاً به بازار سرکشی می‌کرد و اصول اسلامی داد و ستد را برای مردم توضیح می‌داد (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۵۶).

پیامبر (ص) با اشاره به اهمیت کسب‌وکار و تجارت می‌فرمودند که بهترین کسب‌ها، کسب تاجرانی است که به هنگام سخن دروغ نگویند؛ در امانت خیانت نکنند؛ به وعده وفا کنند؛ در پرداخت قرض خود تعلل نکنند؛ در مطالبه سخت‌گیری نکنند؛ به هنگام فروش در ستایش جنس خود مبالغه نکنند و به هنگام خرید از جنس دیگران بد نگویند (مجلسی، ۱۴۴۰: ۱۰۳/۹۵). در نتیجه همین تأکیدات پیامبر (ص) قوانینی وضع شده بود که هیچ زبانی به فروشنده و مشتری نرسد. فروش محصولات نارس از موارد منع شده بود؛ مگر اینکه میوه‌ها کاملاً رسیده باشند. فروش انواع میوه‌ها مانند هندوانه، خربزه و همچنین صیفی‌جات، مانند خیار و هویج تا زمانی که نرسیده و آماده مصرف نبودند، ممنوع بود. از معامله افراد شهری با افراد بدوی و بی‌خبر از بازار نهی شده بود؛ مگر با حضور سمسار یا دلالی که عقد معامله میان مشتری و فروشنده را با دریافت مزدی برعهده گیرد (ابن‌ادریس، ۱۳۹۲: ۲۱۷).

پیامبر (ص) در راستای جلوگیری از گرانی و تثبیت قیمت‌ها، ضمن تأکید بر ارائه اجناس و کالاها به بازار، بر جلوگیری از احتکار تأکید فراوان داشت. احتکار محصولات کشاورزی در زمان خشکسالی در گزارش‌های تاریخی ذکر شده است. خداوند این عمل را نکوهش و پیامبر (ص) برای جلوگیری از آن مقرراتی را به اجرا گذاشتند. پیامبر (ص) در این زمینه می‌فرمود که هرکس مواد غذایی بخرد و برای اینکه آن را به مسلمانان گران بفروشد، چهل روز انبار کند و پس از چهل روز آن را بفروشد و همه درآمد آن را هم صدقه بدهد، کفاره گناه او نخواهد شد (طوسی، ۱۴۲۷: ۶۷۶). این امر نقش مؤثری در ایجاد آرامش در بین مردم و جلوگیری از فشار اقتصادی بر آنان داشت. ایشان از انجام معاملات خارج از بازار نهی

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۹۳

می‌کردند و این امر به دلیل فریب و نیرنگ برخی از فروشندگان بود که موجب ضرر و زیان مردم می‌شد.

زمانی که پیامبر (ص) در مدینه به افرادی برخورد کرد که در فروش کالاهای خود کم-فروشی می‌کردند و وزن پیمانه را به خوبی رعایت نمی‌کردند، به آن‌ها تذکر داد و آیات یکم تا سوم سوره «مطففین» در این مورد نازل شد. تأکید بر صداقت در امر تجارت و پرهیز از دروغ از تأکیدات جدی پیامبر (ص) بود. ایشان در این باره می‌فرمودند: بازرگان امین، راستگو و مسلمان، روز قیامت با شهیدان محشور خواهد بود (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۵۲۸/۱).

تشویق صنعتگری و ابزارسازی

توسعه و تقویت مدینه‌النبی در ابعاد اقتصادی نیازمند کار و تلاش و به‌کارگیری اندیشه و تولید برای بر آوردن نیازهای جامعه جدیدی بود که پیامبر (ص) بنا نهاده بود. از جمله این موارد می‌توان به تأمین نیازهای فنی، ابزارها و امکانات مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی و همچنین نیازهای دفاعی، نظامی و تأمین معیشت اشاره کرد؛ لذا یکی از سیاست‌های راهبردی پیامبر (ص) تقویت ابزارسازی و صنعتگری بود.

اعراب پیش از اسلام آشنایی مختصری با صنایع داشتند. یمن در این زمینه و در مقایسه با سایر بخش‌های شبه جزیره از سابقه و قدمت بیشتری برخوردار بود. نگاهی به عهدنامه‌های صلح پیامبر (ص) با مردم مناطقی مانند یمن و طائف و تحلیل برخی از بندهای آن، بیان‌کننده حضور صنایع خاصی در آن مناطق است؛ برای مثال شرط پرداخت هزار حله از حله‌های مرغوب و سیصد زره در صلح‌نامه مردم نجران با پیامبر (ص) نشان‌دهنده رواج گسترده صنایع پارچه‌بافی و آهنگری در آن منطقه است. ابن‌هشام با اشاره به سوابق وجود صنایع مختلف در مناطق طائف و یمن به مهارت عروه بن مسعود و غیلان بن سلمه در ساخت دژکوب، سپر و منجنیق اشاره کرده که آن‌ها را از سرزمین یمن فراگرفته بودند (ابن‌هشام، ۱۹۷۱: ۴/۱۲۱). در یثرب نیز برخی از صنایع وابسته به تولیدات کشاورزی دایر بود (سالم،

۱۳۹۱: ۳۰۳). همچنین اشاره‌ی برخی از آیات قرآن در این زمینه حاکی از سابقه و قدمت این صنایع در نزد اعراب است.^۱

پیامبر (ص) پس از مهاجرت به مدینه، ضمن تشویق صنعتگران، از صنایع دستی حمایت می‌کرد؛ مگر در مواردی مانند تولید مشروب که حرمت شرعی داشت. براساس گزارش منابع نخستین و به نقل از ابن عباس در جریان دیدار نمایندگان قبیله بنی عبد قیس با پیامبر (ص)، ایشان ضمن دعوت اعضای قبیله به پرستش خدای یکتا، ترک بت‌پرستی، برپایی نماز، روزه، پرداخت زکات و خمس، آنان را از می‌فروشی و تولید هرگونه ظروف و اشیاء مرتبط با آن نهی کردند؛ بنابراین پیامبر (ص) به شدت با مشاغلی مانند قمار و می‌فروشی که نیاز به تلاش و کوشش خاصی نداشته و صرفاً افراد را به سمت ثروت‌اندوزی سوق می‌داد، مخالفت کرده و آن‌ها را حرام می‌دانست؛ اما به‌طور کلی فعالیت‌های شغلی و صنعتی به‌خوبی در مدینه جریان داشت و مردم در مشاغل مختلف و در جهت رفع نیازهای جامعه تلاش می‌کردند؛ به‌ویژه صنایع متکی بر محصولات نخل، مانند سبذبافی، حصیربافی یا فروشندگی برگ خرما در بین مردم رایج بود؛ به‌همین دلیل صاحب این شغل‌ها «خواص» نامیده می‌شدند (کتانی، بی‌تا: ۹۲-۹۳/۲). افزون بر آن از پشم و پوست درخت خرما ریسمان می‌بافتند.

صنایعی نیز برپایه سنگ‌ها و ذوب فلزات استوار بود. صنعتگران از سنگ‌ها و فلزات ذوب‌شده در ساخت زیورآلات و اسلحه‌های چون کمان، سرنیزه، شمشیر و مانند آن استفاده می‌کردند (واقدی، ۱۹۶۶: ۱۲۱). در صنعت زرگری برای اجزایی از بدن مانند گوش و بینی، زیورآلاتی از نقره یا طلا ساخته می‌شد. زرگری در جامعه مدینه از احترام چندانی برخوردار نبود، چه بسا زرگرها به دروغ و فساد در کار خود می‌پرداختند. غالباً مردمانی مانند یهودیان که از جایگاه اجتماعی مناسبی نبودند، به این شغل مشغول بودند (کتانی، بی‌تا: ۶۳-۶۲). اما شغل آهنگری دارای اعتبار و ارزش بود و بیشتر کسانی که به این حرفه اشتغال داشتند، از موالی و بردگان محسوب می‌شدند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱: ۲۹). تولیدات آن‌ها عمدتاً اسلحه و ابزار کشاورزی بود. از صنایع دیگری که در عصر مدنی در این شهر رایج بود می‌توان به

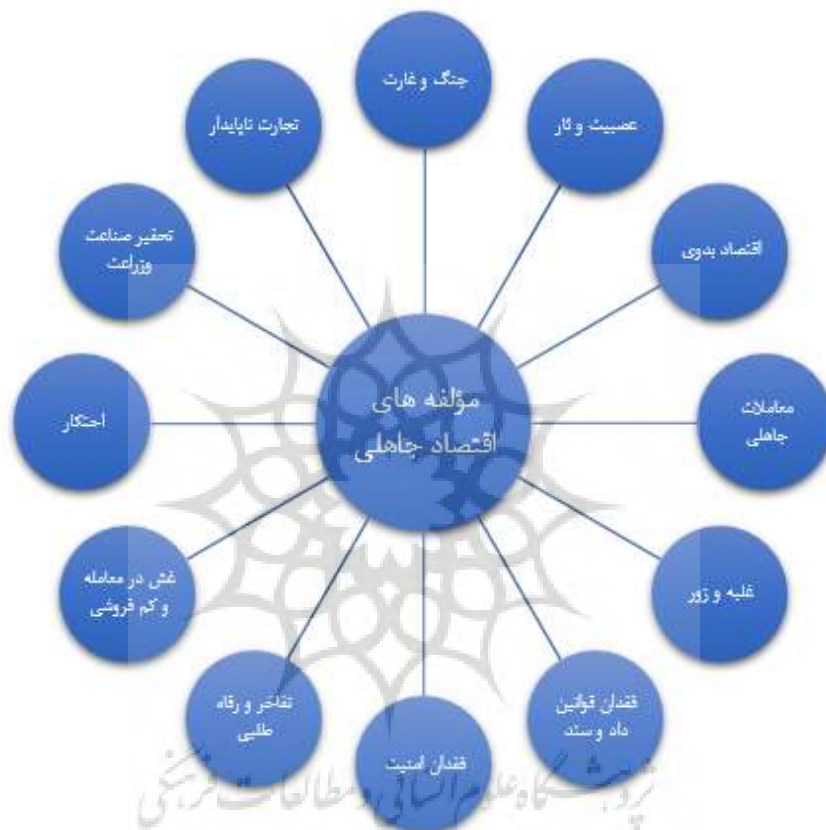
^۱ حج/ ۲۳/ کهف/ ۳۱/ انسان/ ۲۱/ سبأ/ ۱۳/ زخرف/ ۷۱/ صافات/ ۴۵-۴۴

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۲۹۵

پارچه‌بافی، نجاری و نانوایی اشاره کرد. بدین ترتیب حضور پیامبر (ص) در شهر مدینه و تأکیدات ایشان بر گسترش روحیه کار و کوشش در بین مسلمانان، باعث گردید تا در بخش صنایع نیز مانند سایر بخش‌های اقتصادی جامعه آن روز، پویایی و نشاط خاصی شکل گرفته و به سمت اصلاح مشاغل و کسب روزی حلال حرکت کند.



شکل ۱: مؤلفه‌های اقتصاد جاهلی



شکل ۲: مؤلفه های اقتصاد اسلامی در مدینه النبی

جدول ۱: اقدامات راهبردی حکومت نبوی برای گذار از اقتصاد جاهلی به اقتصاد اسلامی

ردیف	راهبردها	راهکارها	توصیه‌ها و محدودیت‌ها
۱	شناخت ظرفیت‌ها و منابع درآمد	تأسیس بیت‌المال تعیین میزان خراج و جزیه خمس و زکات فئی و انفال غنیمت و تقسیم هدفمند آن	ممنوعیت سوءاستفاده از بیت‌المال حفظ کرامت اهل ذمه و جلوگیری از ظلم به آنها تیین مبانی پرداخت خمس و زکات تعیین مصادیق فئی و انفال تغییر شیوه جاهلی تقسیم غنایم
۲	تقویت اقتصاد فردی و خانواده	اصلاح مهریه و ارثیه تثبیت مالکیت فردی تقویت صنایع دستی و خانگی میان‌رویی و پرهیز از اسراف تشویق روحیه کار و تلاش کارآفرینی و مذمت بیکاری	تأکید بر حفظ کرامت زنان و احیاء حقوق آنها لغو سنت جاهلی غلبه و دفاع از حقوق افراد پرهیز از کسالت و تنبلی مذمت رفاه‌طلبی و روحیه اشرفی‌گری تلاش در جهت فقرزدایی
۳	تقویت اقتصاد زراعی	توسعه زراعت و احیاء اراضی موات حفر چاه و احیاء چشمه‌ها اصلاح روش‌های کشاورزی اصلاح روش‌ها در نظام آبیاری تنظیم قوانین نوین زراعت و آبیاری توجه به خودکفائی مسلمانان	تیین مبانی دینی اهمیت زراعت و فلاح استفاده از ظرفیت افراد متخصص ممنوعیت تخریب طبیعت ممنوعیت اسراف در منابع آبی استفاده بهینه از اراضی کشاورزی و منابع آبی

ردیف	راهبردها	راهکارها	توصیه‌ها و محدودیت‌ها
۴	توجه به بازار و گسترش فعالیت‌های تجاری و پیشه‌وری	تأسیس بازار اسلامی	ممنوعیت معامله با افراد بی‌اطلاع از قوانین بازار حرمت ربا و کم‌فروشی ممنوعیت ساخت وسایل و ظروف مربوط به مشاغل حرام تحریم معاملات جاهلی نفی فریب، حيله، غش و تدلیس در معامله
		اصلاح نظام بازار	
		تأسیس نظام مراقبت و بازرسی	
		تقویت ابزارسازی و صنعت‌گری	
		تنظیم قوانین جدید داد و ستد	
		پایبندی به قراردادهای رعایت اخلاق اقتصادی	
		مبارزه با احتکار و کم‌فروشی	
		قطع وابستگی مسلمانان به یهود	

نتیجه‌گیری

چنانکه ملاحظه گردید پیامبر (ص) در جایگاه رهبر دولت اسلامی در ابتدا با موانع و مشکلاتی در حوزه ساماندهی وضعیت اقتصادی مسلمانان مواجه بود؛ به گونه‌ای که حتی قادر به تأمین نیازهای اولیه برخی از مسلمانان مستمند نبود. تا سال هفتم هجرت امت اسلامی شامل مردم مدینه و مسلمانانی بود که به این شهر مهاجرت کرده بودند. انصار با پذیرایی از مهاجران در منازل خود، آنان را در اموال و دارایی‌های خود شریک کردند؛ اما به تدریج و با توسعه منابع درآمدی مسلمانان مانند غنیمت، فیه، جزیه و صدقات نه تنها امکان حمایت از مسلمانان نیازمند فراهم شد، بلکه باعث تقویت جایگاه اقتصادی و تجاری دولت نبوی در بین مردم گردید. پیامبر (ص) تلاش کرد تا با اتخاذ تصمیماتی، ضمن کاستن از فشارهای اقتصادی بر انصار، وضعیت معیشتی مهاجران را نیز بهبود ببخشد؛ بنابراین در قدم نخست و به منظور ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه، غنایم بنی‌نضیر را به صورت هدفمند در بین مسلمانان تقسیم

کرد. هدفی که براساس آن تلاش گردید تا با حذف فاصله طبقاتی، مانع از شکل‌گیری طبقه‌ای به نام اغنیاء گردد؛ اما به نظر می‌رسد تا جنگ خیبر، کمابیش وابستگی اقتصادی مهاجران به انصار به قوت خود باقی ماند.

تردیدی نیست که بعد از فتح مکه و ایجاد آرامش در شهر مدینه، به تدریج فعالیت‌های اقتصادی در بین مردم و در سراسر شبه‌جزیره عربستان از سر گرفته شد. تحریم معاملات ربوی، وجوب اخذ جزیه از اهل ذمه در مقابل تأمین امنیت جانی و مالی آنان، تشویق به احیاء اراضی موات و دریافت زکات و صدقه از توانمندان در جهت حمایت از مسلمانان مستمند از جمله سیاست‌های اقتصادی دولت نبوی بود که یک فضای جدیدی را در عرصه مناسبات اقتصادی شبه‌جزیره ترسیم کرد. پیامبر (ص) در این فضای جدید تلاش کرد تا با حذف معاملات جاهلی و یا اصلاح برخی از آنان، قوانین نوینی در حوزه تجارت و داد و ستد مبتنی بر آموزه‌های اسلامی به وجود آورد. این قوانین به مسلمانان این امکان را می‌بخشید تا نظم نوینی در حوزه مناسبات اقتصادی شکل ببخشند. تأسیس بازار نوین اسلامی و تدوین نظام‌نامه آن، توسعه زراعت و کشاورزی، تقویت اقتصاد خانواده، کارآفرینی، تشویق روحیه کار و تلاش، بخشی از اقداماتی بود که حکومت نبوی در راستای تقویت منابع مالی و استقلال اقتصادی مسلمانان به عمل آورد. در مقایسه با روش‌های قبلی، فضای جدید تابع سیاست‌گذاری نوینی براساس اهداف انسانی، اجتماعی و اقتصادی بود. این سیاست‌گذاری مبتنی بر حمایت از محرومان و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه بود.

برقراری عدالت اقتصادی می‌توانست مانع از شکل‌گیری و انباشت عقده‌ها در درون جامعه و تأثیر آن بر مناسبات اجتماعی گردد. این هدف هم‌جز با جلب مشارکت گسترده مسلمانان در همراهی با دولت، پرداخت وجوهات شرعی، توجه به نیازهای عمومی جامعه، پرهیز از کسالت و تنبلی و تقویت روحیه کار و تلاش فراهم نمی‌گردید. در مجموع، اقدامات راهبردی دولت نبوی در این زمینه باعث گردید تا از یک‌سو از جنبه تولید، فعالیت‌های اقتصادی (از قبیل کشاورزی، بازرگانی، صنعت و غیره) به آرامی و کم‌کم به سرانجام برسند و از سوی دیگر با افزایش منابع مالی دولت، زمینه‌های تقویت و استحکام آن فراهم گردد. دولت جدید

با مبنا قرار دادن ایمان، ضمن دفاع از حقوق شهروندان، تلاش کرد تا رابطه دولت و اجتماع را براساس شاخص‌های اخلاقی و انسانی تعریف کند. بدین ترتیب می‌توان گفت که راهبرد اقتصادی جدیدی که پیامبر (ص) خالق آن بود، به پیدایش اقتصاد نوینی با عنوان اقتصاد اسلامی منجر گردید که با مقررات و قواعد تجاری و اقتصادی عصر جاهلی بسیار متفاوت بود.

سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم دانسته که از هیأت داوران علمی که با ارائه نکته نظرات و راهنمایی‌های ارزنده خویش در ارتقاء ساختار پژوهشی و بهبود سطح علمی مقاله نقش ایفا کرده، تشکر نمایند. همچنین شایسته است که از همکاران محترم گروه تاریخ آقایان دکتر حسین علی‌بیگی و دکتر مهدی عزتی که در نشست داخلی گروه پیشنهادهای در جهت اصلاح مقاله مذکور ارائه کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنند.

منابع

قرآن الکریم

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم محمد (۱۹۶۷). *الکامل فی التاریخ*. الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن ادریس، عبدالله بن عبدالعزیز (۱۳۸۶). *جامعه مدینه عصر نبوی*. ترجمه شهلا بختیاری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- ابن بکار، الزبیر (۱۴۱۶ق). *الخبار الموقیات*. تحقیق الدكتور سامی مکی الیمانی، بیروت: علام الکتب للطباعة و النشر، الطبعة الثانية.
- ابن حبیب، ابو جعفر بن حبیب بن امیه بن عمرو البغدادی (۱۹۸۱). *المحبر*. بیروت: المكتب التجاریه للطباعة والنشر.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی بن محمد بن احمد (۱۴۱۵ق). *الاصابه فی تمییز الصحابه*. تحقیق عادل احمد عبدالموجود، الطبعة الاولى، بیروت: دارالکتب العلمیه.

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۳۰۱

ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۴۵)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن سعد، محمد بن سعد (۱۹۶۰). *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارالصادر.

ابن سلام، ابو عبید القاسم بن سلام (بی تا). *الاموال*. تحقیق محمد خلیل هراس، قاهره: مکتب الکلیات الازهریه.

ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۹۶۵). *العقد الفريد*. قاهره: مطبعه لجنه التالیف والنشر.

ابن عقبه، ابی محمد موسی (۱۴۲۴). *المغازی النبویه*. جمع و تحقیق حسین مرادی نسب، الطبعة الاولى، قم: منشورات ذی القربی.

ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۹۷۰). *المعارف*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد الهمدانی (۱۸۸۵). *مختصر کتاب البلدان*. لیدن: بریل.

ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر (۱۹۷۶). *السيره النبویه*. تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دار المعرفه.

ابن هشام، عبدالملک (۱۹۷۱). *السيره النبویه*، تحقیق السقا، الطبعة الثالثة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۷). *السيره النبویه*، ترجمه رفیع الدین اسحاق همدانی، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.

ابوعلی، اسماعیل بن قاسم بن عیذون قالی (۲۰۰۱). *ذیل الأمالی القالی*، بیروت: موسسه الكتاب الثقافیه.

ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۸۲ق)، *الخارج*، الطبعة الثانية، قاهره: المکتبه السلفیه.

ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۶). *اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار*، محقق رشدی صالح ملحس، بیروت: دارالاندلس.

بطاینه، محمد ضیف الله (۱۹۸۸). *الحیاه الاقتصادیه فی العصور الاسلامیه الاولی*، المدینه المنوره: مکتب دارالتراث.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره.

بیهقی، احمد بن حسین بن علی (۱۲۹۵ق). *السنن الكبرى*، بیروت: دارالفکر.

جابری، محمد عابد (۱۳۸۴). *عقل سیاسی در اسلام*، ترجمه عبدالرضا سواری، تهران: گام نو.

حسین، طه (۱۳۴۶). *آئینه اسلام*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

حسینیان مقدم، حسین (۱۳۸۸). *مناسبات مهاجرین و انصار*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

الحرالعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل البیت.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ ق). *نهایه الاحکام فی معرفه الاحکام*، مصحح مهدی رجایی، قم: اسماعیلیان.

خاکرند، شکراله (۱۳۹۰). *سیر تمدن اسلامی*، قم: موسسه بوستان کتاب.

خلیفه بن خیاط، ابو عمرو (۱۳۴۲ق). *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق اکرم العمری، بیروت: موسسه الرساله.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۵). *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران: سمت.

زیدان، جرجی (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلام*. ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر.

سالم، عبدالعزیز (۱۳۹۱). *تاریخ عرب قبل از اسلام*، ترجمه باقر صدری نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

سبحانی تبریز، جعفر (۱۳۹۷). *الربا موضوعاً وحکماً*، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).

طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

طبرسی، فضل بن حسین (۲۰۰۶)، *تفسیر مجمع البیان*، بیروت: دارالعلوم.

طوسی، محمد حسن (۱۳۶۳)، *الاستبصار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

عسقلانی، ابن حجر (۲۰۰۵). *المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه*، ریاض: دارالعاصمه للنشر والتوزیع.

علی، جواد (۱۹۸۷). *المفصل فی التاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت: دارالعلم الملايين.

فیرحی، داوود (۱۳۷۸). *قدرت دانش و مشروعیت در اسلام*، تهران: نشر نی.

قدامه بن جعفر، ابوالفرج (۱۹۸۱). *الخراج وصنعه الكتابه*، شرح و تعلیق محمد حسین الزبیدی، بغداد: دارالرشید.

قرطبی، محمد بن احمد انصاری (۱۹۶۷). *الجامع لاحکام القرآن*، قاهره: دارالکاتب العربی

کتانی، عبدالحی (بی تا). *التراویب الاداریه و العمالات و الصناعات و المتاجر و الحاله العلمیه التي كانت*

علی عهد تاسیس المدینه الاسلامیه فی المدینه المنوره، بیروت: دارالکتب العلمیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). *الکافی*، مترجم و شارح محمدباقر کمره ای، قم: اسوه.

مسعودی، علی بن الحسین (۱۹۸۱). *التنبیه والاشراف*، بیروت: دارالمکتب الهلال.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۴۰ق). *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

الواحدی، ابوالحسن علی بن احمد النیشابوری (۱۹۷۸). *اسباب النزول*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). *مغازی*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر

دانشگاهی.

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۳۰۳

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

مقدسی، محمد بن احمد (۱۹۸۰). *من احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، دمشق: وزاره الثقافیه.

موننگمری وات، ویلیام (۱۳۴۴). *محمد پیامبر و سیاستمدار*، تهران: کتابفروشی اسلامی.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۶۶). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: موسسه آل البيت.

نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب (۱۹۷۰). *نهایه الارب فی فنون الادب*، قاهره: موسسه المصریه العامه.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۴). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

References :

- Abu Yusuf, Yaqub Ibn Ibrahim (1382). *Al-Kharaj*, Second Edition, Cairo: Al-Maktabato Salafi.
- Abu Ali, Ismail Ibn Qasim Ibn Aizun Qali (2001). *Zil Al-Amali Al-Qali*, Beirut: Al-Ketabo Saqafiya.
- Azraqi, Muhammad ibn Abdullah (1996). *Al Akhbar Al Makeh*, Rashdi Saleh Mulhis Research, Beirut: Dar al-Andalus.
- Al-Hor Al-Amili, Muhammad Bin Hassan (1996). *Detailing the means of the Shiites to collect the issues of Sharia*, Qom: Aal al-Bayt Institute. (in Persian)
- Asqalani, Ibn Hajar (2005). *Almataleb ol Aliya Bezavaedo Alsmaniyh*, Riyadh: Dar Al-Asimah for Publishing and Distribution.
- Ali, J. (1987). *Detailed in Arab History before Islam*, Beirut: Dar Al-Ilm Al-Malayin.
- Al-Qurtubi, Muhammad bin Ahmad Ansari (1967), *The Collector of the Laws of the Qur'an*, Cairo: Dar Al-Kateb Al-Arabi.
- Al-Wahidi, Abul-Hassan Ali bin Ahmed Al-Nishaburi (1978). *Asbab Al Nozol*, Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya.
- Bataineh, Mohammad Zaifullah (1988), *Economic Life in the First Islamic Times*, Al-Madinah: Dar Al-Torath.
- Bayhaqi, Ahmad ibn Husayn ibn Ali (1984). *Al-Sunan al-Kubra*, Beirut: Dar al-Fikr.
- Blazori, Ahmad Ibn Yahya Ibn Jaber (1988). *Fotuoh Al Boldan*, translated by Mohammad Tavakol, Tehran: Nashre Nogreh. (in Persian)
- Fayrahi, D. (1999). *The Power of Knowledge and Legitimacy in Islam*, Tehran: Nashr-e Ney. (in Persian)
- Hossein, T. (1967). *The Mirror of Islam*, translated by Mohammad Ebrahim Ayati, fourth edition, Tehran: Anteshar Co.
- Hosseinian Moghadam, Hossein (2009). *Relations between Mohagerin and Ansar*. Qom: Research Institute and University (in Persian)
- Helli, Hassan bin Youssef (1990). *"Nahayat al-Ahkam fi Ma'rifat al-Ahkam"*. Edited by Mahdi Rajaei, Qom: Ismailian.
- Ibn Athir, Ali Ibn Abi Al-Karam Muhammad (1967). *Al-Kamil Fi Al-Tarikh*. Second Edition, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Ibn Bakr, Al-Zubayr (1996). *Al-Akhbar Al-Mufaqqiyat*. research by Dr. Sami Maki Al-Yamani, Beirut: Alam Al-Kitab

- Ibn Habib, Abu Ja'far ibn Habib ibn Umayyah ibn Amr al-Baghdadi (1981). *Al-Muhabar*. Beirut: Maktab Al-Tegariya Ibn Hajar al-Asqalani, Ahmad ibn Ali ibn Muhammad ibn Ahmad (1995), *Al-Asaba fi Tamiz al-Sahaba*, research by Adel Ahmad Abd al-Mujud, first edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ibn Sa'd, Muhammad ibn Sa'd (1960). *Al-Tabqat al-Kubra*. Beirut: Dar al-Sadr.
- Ibn Salam, Abu Ubayd al-Qasim ibn Salam (1989). *Alamval*, research by Muhammad Khalil Haras, Cairo: Al-Azhariyah
- Ibn Abd Rabba, Ahmad Ibn Muhammad (1965). *Al-Aqd Al-Farid*, Cairo: Printing and Publishing House.
- Ibn Idris, Abdullah Ibn Abdul Aziz (2007). *The Medina Society of the Prophetic Age*, translated by Shahla Bakhtiari, Tehran: SAMT Publications. (in Persian)
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman Ibn Mohammad (1966). *A-Moghadameh*. translated by Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran: Bongah Tarjemeh Va Nashre Ketab, (in Persian)
- Ibn Aqaba, Abi Muhammad Musa (2004), *Al-Maghazi Al-Nabawiyyah*, collection and research of Hussein Moradi Nasab, first edition, Qom: Dhi Al-Qirbi Publications. (in Persian)
- Ibn Qutaybah, Abu Muhammad Abdullah Ibn Muslim (1970). *Al-Ma'arif*, Beirut: Dar Al-Ahyah Al-Torath Al-Arabi.
- Ibn Faqih, Abu Bakr Ahmad ibn Muhammad al-Hamdani (1885). *Mokhtasar Ketab Alboldan*, Leiden: Braille.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Kathir (1976). *Al-Sira Al-Nabawiyyah*. research by Mustafa Abdul Wahed, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Ibn Hisham, Abdul Malik (1971). *Al-Sira Al-Nabawiyyah, Tahqiq Al-Saqqa*. Third Edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Ibn Hisham, Abdul Malik (1998). *Al-Sira Al-Nabawiyyah*. translated by Rafi al-Din Ishaq Hamedani, third edition, Tehran: Kharazmi. (in Persian)
- Jaberi, Mohammad Abed (2005). *Political Wisdom in Islam*. translated by Abdolreza Savari, Tehran: Gam-e No. (in Persian)
- Khalifa bin Khayat, Abu Amr (1963). *The history of Khalifa bin Khayat*. edited by Akram Al-Omari, Beirut: Al-Resalah Institute.
- Kattani, Abd al-Hayyi (1982). *Administrative arrangements, workers, industries, stores and the scientific situation during the era of the founding of the Islamic city in Medina*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Khakrand, Shokrallah (2011). *The Course of Islamic Civilization*, Qom: Buostan Ketab Institute, (in Persian)
- Kolayni, Mohammad Ibn Yaqub (1996). *Al-Kafi, translator and commentator of Mohammad Baqir Kamraei*. Qom: oswa. (in Persian)
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad (1389). *Mizan al-Hikma*. translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom: Dar al-Hadith, (in Persian)
- Montgomery Watt, William (1965). *Mohammad the Prophet and the Politician*. Tehran: Ketabforuoshi Islami, (in Persian)
- Masoudi, Ali bin Al-Hussein (1981). *Al-Tanbihah Va Al-Ashraf*. Beirut: Dar Al-Maqtab Al-Hilal.
- Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (2019). *Bihar Al-Anwar*. Beirut: Dar Al-Ayyah Al-Arabi Al-Turath.
- Makdisi, Muhammad bin Ahmed (1980). *Ahsan Al-Taqasim fi Ma'rifat Al-Aqalim*, Damascus: Vezart Al-Sagafiya
- Nouviri, Shehab El-Din Ahmed Ibn Abdel-Wahhab (1970). *"Nahayat Al-Arb fi Founun Al-Adab"*, Cairo: Almoasesa Al-Mesriya Institution.
- Qudamah Bin Jaafar & Abu Al-Faraj (1981). *Alkharag, the explanation and commentary of Muhammad Hussain Al-Zubaidi*. Baghdad: Dar Al-Rashid.
- Salem, Abdolaziz (2012). *Arab history before Islam, translated by Baqer Sadrinia*. Tehran: Entesharate Elmi Va Farhangi, (in Persian)

راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی (ص) در مدینه‌النبی: ... (سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی) ۳۰۵

- Sobhani Tabrizi, J. (1397). *Al-Reba*. Qom: Moaseseh Imam al-Sadiq (peace be upon him), (in Persian)
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1996) *The History of Tabari (The History of the Messengers and Kings)*. translated by Abul-Qasim Payandeh, Tehran: Alasatir. (in Persian)
- Tabarsi, Fadl bin Hussein (2006). *Tafsir Al- Majma` al-Bayan*. Beirut: Dar Al-Uloom.
- Tosi, Muhammad Hassan (1984). *Al-Istibsar*. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (in Persian)
- Zargarinejad, Gholam Hossein (1996). *The History of the Early Islam (Age of Prophecy)*. Tehran: SAMT publication. (in Persian)
- Zidan, George (1993). *The History of Islamic Civilization*. translated by Ali Javaher Kalam, Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Yaghoubi, Ahmad Ibn Abi Yaghoub (1995). *Yaghoubi History*, translated by Mohammad Ibrahim Ayati, Tehran: Entesharate Elmi Va Farhangi. (in Persian)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی